
**معرفی اجمالی اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی براساس تبیین جهت انقلاب
به عنوان ۲۷ مأموریت برای توانمند سازی ساختارهای کشور در جهت تحقق شاخص های هویت اسلامی
و به عبارت دیگر، ۲۷ مأموریت برای حرکت به سمت تولید الگوی پیشرفت اسلامی**

معرفی نقشه راه تولید الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت

در مصاحبه با هفته نامه ۹دی - شماره ۷۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

معرفی اجمالی اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی براساس تبیین جهت انقلاب
به عنوان ۲۷ مأموریت برای توانمندسازی ساختارهای کشور در جهت تحقق شاخص های هویت اسلامی
و به عبارت دیگر، ۲۷ مأموریت برای حرکت به سمت تولید الگوی پیشرفت اسلامی

معرفی نقشه راه تولید الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت

در مصاحبه با هفته نامه ۹دی - شماره ۷۰

شناسنامه محصول:

مکان جلسه: -

تاریخ جلسه: -

پیاده و ویراست اول: -

تاریخ پیاده و ویرایش اول: -

ویراست دوم: حمید رضا اسلامی نیا

فهرست نویسی: حمیدرضا اسلامی نیا

تاریخ اتمام فهرست: ۱۳۹۲/۸/۱۵

صفحه آرا: حمیدرضا اسلامی نیا

تاریخ نشر: ۱۳۹۲/۸/۱۶

فهرست اجمالی

۱- تبیین جهت حرکت انقلاب اسلامی، رویکرد نقشه راه در بحث چیستی و چرایی تولید الگوی پیشرفت

اسلامی ۹

۲- تعریف نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی به نقشه تبیین چگونگی توانمند سازی ساختارها و به

عبارتی چگونگی تولید الگوی پیشرفت اسلامی ۲۷

بسم الله الرحمن الرحيم

۱- تبیین جهت حرکت انقلاب اسلامی، رویکرد نقشه راه در بحث چیستی و چرایی تولید الگوی پیشرفت اسلامی

۱/۱- نقد الگوهای توسعه غربی و بازخوانی دوره اصلاحات و سازندگی، از جمله رویکردهای موجود در تبیین مسأله الگوی پیشرفت اسلامی و به عبارتی از جمله دلایل نیاز به طرح مسأله الگوی پیشرفت

اگر قرار باشد وارد بحث الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بشویم باید از نقد مدل‌های توسعه غربی شروع کنیم؛ گرچه تا حالا در محافل مختلف در نقد الگوهای غربی توسعه و آنچه که در دوران اصلاحات و سازندگی انجام و به نوعی به بازتولید سبک زندگی غربی منجر شد زیاد گفته شده است اما من هر چه فکر می‌کنم می‌بینم که بالاخره پایه و اساس بنای جدید، نقد بنای قبلی است؛ از این جهت یک توضیح مختصری در مورد مدل‌های قبلی توسعه و خصوصیات آن‌ها بفرمایید.

بسم الله الرحمن الرحيم. فرمایشی که حضرت عالی می‌فرمایید در واقع یک تبیینی است از مسئله پیشرفت اسلامی. یعنی در واقع شما می‌خواهید به این برسید که اگر امروز در ادبیات انقلاب و مسئولین ارشد انقلاب به این نتیجه رسیده شده که ما نیاز به تولید ملی و پیشرفت اسلامی داریم، دلایل آن چیست. برای تبیین این مسئله، رویکردهای مختلفی در کشور وجود دارد. همانطور که شما فرمودید آسیب شناسی مسئله الگوهای غربی با روشهای مختلفی انجام شده است.

۱/۲- توجه به خود مسأله الگوی پیشرفت اسلامی به علت وجود نقد توسعه در آن، یک زاویه دید بهتر در نقد

خوب! ما اگر قصد اشاره به آن‌ها را نداشته باشیم - به دلیل مفصل بودن بحث از آن - و خوانندگانی داریم که به احتمال زیاد درگیر موضوع هستند و با این مسئله آشنا هستند؛ شاید بتوان یک زاویه دید بهتری برای نقد باز کنیم و آن توجه به مسئله الگوی پیشرفت اسلامی است که درون آن نقد توسعه غربی هم وجود دارد.

۱/۲/۱- تبیین مسأله الگوی پیشرفت اسلامی بر اساس توجه به جهت جمهوری اسلامی

زاویه دید ما این است که توجهی داشتیم به جهت جمهوری اسلامی و با توجه به جهت جمهوری اسلامی نگاهمان را به مسئله الگوی پیشرفت اسلامی تبیین کنیم.

۱/۲/۲- ممنوعیت استفاده و به کارگیری الگوهای توسعه غربی، نتیجه تبیین جهت جمهوری اسلامی

یعنی ما یک تبیین و یک درکی از جهت نظام مبارک جمهوری اسلامی داریم که آن درک و جهت به ما می‌گوید که نباید از الگوهای غربی استفاده کنیم؛ این یک بحث است.

۱/۱/۱- بازخوانی تجربه دویست سال گذشته کشور، مؤثر در فهم آثار الگوهای غربی

یک بحث دیگر این است که ما یک بازخوانی تاریخی داریم از دارالفنون به این سمت؛ از دویست سال پیش یک تجربه ای کشور ما داشته است. ما از آنجا هم می‌توانیم به جمع بندی برسیم که الگوهای توسعه غربی چه اثری داشته است. بحثمان فعلا نقد الگوهای غربی نیست ولی به هر حال این دو مسئله جدا از هم نیستند و باهم ارتباط مفهومی دارند.

۱/۱/۱- بازخوانی کارنامه دویست سال گذشته کشور از جهت عملکرد تزه‌های روشنفکری غربی، عامل کشف نقاط ضعف این کارنامه و این نقاط ضعف عامل طرح مسأله الگوی پیشرفت اسلامی در ادبیات انقلاب

ما در کشورمان یک تجربه دویست ساله ای داریم که کارنامه روشنی است از جهت عملکرد تزه‌های روشنفکری غربی در کشور. من احساس می‌کنم بازخوانی این کارنامه باعث میشود یک سری نقاط ضعف مشخص و روشن شود و آن نقاط ضعف باعث شده است که بحث از "الگوی پیشرفت اسلامی" در ادبیات انقلاب مطرح شود.

۱/۲/۲/۱- نیاز به یک بررسی کتابخانه ای و بلند مدت در بررسی تئوریک و نظری الگوهای توسعه

مضافا اینکه به نظر من می‌توانیم چیزی را اینجا طرح کنیم که اصلا الگوی توسعه غربی به مبنای همین غربی خود هم یک چیز واحدی نیست و یک مفهوم متکثری است؛ بین خودشان، در جهات مادی خودشان، به اقتضای زمانی و از یک منطقه به منطقه دیگر، الگوهای مختلف توسعه غربی وجود داشته است. در حقیقت ما با یک الگوی واحد در تقابل نیستیم و از همین رو الگوهای کپی برداری شده غربی هم که در داخل کشور اجرا شد، آن هم یک الگوی واحد غربی نبود؛ متکثر بود. می‌شود رگه های اصول ثابتی را در آن پیدا کرد. ولی به نظر من در کل، الگوی ثابتی هم نبود پس از این جهت اصلا الگو نبود. آن قدر تغییر جهت ها در این حوزه زیاد است که حتی در خود غرب و به تبع آن امواج گفتمانی که عوض می‌شد، سیاست جدیدی تجویز می‌شد. زمانی که جوّ چپ فکری غالب بود حتی الگوهای اقتصادی هم چپ شد و مثلا "اناتیسم" و دولت محوری از لحاظ اداره حکومت اصلا یک مدل بود. در دهه ۵۰ و ۶۰ اصلا هر حکومتی که بیشتر می‌توانست امورات را دولتی کند مثبت بود. بعدها، در اروپای غربی مثلا دولت رفاه به وجود آمد و سپس با نولیبرالیسم کلا الگوی توسعه غربی عوض شد. از این جهت هم ما می‌توانیم متوقع باشیم که برای تحت تاثیر قرار نگرفتن از امواج - که عموما هم منشا آن ربطی به ما نداشته- باید الگوی اسلامی خودمان را داشته باشیم.

همانطور که شما می‌فرمایید اگر بنایمان این باشد که به لحاظ تئوریک و نظری الگوهای توسعه غربی را بررسی کنیم باید حتما یک بررسی کتابخانه ای درستی انجام شود.

۱/۱/۲- بحث های نظری و کتابخانه ای و همچنین بازخوانی تحولات دویست سال اخیر کشور، دو رویکرد در نقد توسعه غربی

اما در بحث نقد توسعه غربی دو رویکرد هست:

۱/۱/۲/۱- بحث های نظری و کتابخانه ای در نقد توسعه غربی، نیازمند دوره ای بلند مدت مثلا سه ترم دانشگاهی

یک رویکرد می‌رود سمت بحثهای کتابخانه ای و نظری که آن فضای خاص خودش را می‌خواهد یعنی دو سه ترم دانشگاهی که آن بحث ها را طبقه بندی کرده و مورد نقد قرار داد.

۱/۱/۲/۱/۱- وجود اختلاف قرائت های مختلف در نقد توسعه غربی

حتی الان که ما نشستیم ایم و در حال صحبت کردن می‌باشیم، به لحاظ تاریخی هم اختلاف قرائت‌هایی در نحوه ایجاد توسعه وجود دارد و به لحاظ بازه تاریخی هم اینها تحول پیدا کردند.

۱/۱/۲/۱/۲- عدم نیاز به بحث های نظری در نقد توسعه برای تبیین مسأله الگوی پیشرفت

پس یک سمت بحث می‌رود به سمت بحث‌های نظری که ما به این وادی ورود پیدا نکردیم یعنی الان بنایمان این نیست که در تبیین مسئله الگوی پیشرفت اسلامی این کار را انجام دهیم بلکه می‌خواهیم بگوییم این تنها راه نیست.

۱/۱/۲/۲- بازخوانی تحولات دویست سال اخیر کشور، رویکرد دیگری در نقد توسعه

راه دیگری برای نقد هست که شما تحولات ۲۰۰ سال اخیر را بازخوانی کنید. ب

۱/۱/۲/۲/۱- برنامه ریزی مدرن و مبتنی بر توسعه غربی در کشور از قبل انقلاب و در حال حاضر و بازخوانی و سنجیدن آن‌ها با آرمان‌های انقلاب، رویکردی در نقد توسعه

الاحره دولت‌هایی سرکار آمدند؛ از قبل انقلاب برنامه ریزی مدرن در کشور ما شروع شد. قبل از انقلاب بوده و الان هم چند برنامه توسعه در کشور ما اجرا شده است؛ اینها را بازخوانی کردن و بعد با آرمانها و با آن شرایط تاریخی مان سنجیدن یک راه است.

۱/۳- بازخوانی خواسته و هدف انقلاب اسلامی، بحث مهم‌تر و مقدم بر نقد توسعه غربی اما با خروجی بحث مشترک

بحث مهمی دیگری سوای این مسائل این است که قبل از اینکه وارد نقد توسعه غربی بشویم ابتدا بازخوانی کنیم ما چه می‌خواستیم و به هر حال فکر می‌کنم خروجی بحث مشترک می‌شود.

۱/۳/۱- تبیین جهت انقلاب یا به عبارتی بازخوانی خواسته و هدف انقلاب، بستر ساز قضاوت بر امکان یا عدم امکان تحقق اهداف انقلاب با الگوهای غربی

پس مبنای دید شما در موضوع نقشه راه الگوی اسلامی پیشرفت نقد توسعه غربی نبوده و با صبغه ایجابی به موضوع نگاه کردید؟

به هر حال ما در این "نقشه راه تولید الگوی اسلامی پیشرفت" از اینجا شروع کردیم. ابتدا جهت جمهوری اسلامی را تبیین کردیم یعنی تبیین آن مطلب اثباتی که به دنبالش بودیم و برای آن انقلاب کردیم و بعد از آن، زمینه قضاوت آماده می‌شود که آیا ما با توسعه غربی به اهداف خود خواهیم رسید یا توسعه غربی برنامه ریزی ضدشاخص‌های ماست؟. از آغاز بحث، در مسئله تبیین الگوی پیشرفت اسلامی، جدول گفتمان پیشرفت اسلامی طراحی شده است.

۱/۳/۱/۱- تبیین جهت انقلاب، اولین مفهوم مطرح شده در نقشه راه

اولین مفهومی که در این جدول مطرح شده مسئله تبیین جهت جمهوری اسلامی است.

۱/۴- تبیین جهت انقلاب بر اساس تبیین سه مفهوم مبنای حرکت، مراحل حرکت و موضوع انتقال

خوب! حالا جهت جمهوری اسلامی چیست؟ ما در این جدول به صورت خلاصه در سه سطر جهت را معنا کرده ایم. به نظر ما جهت عبارت است از: تبیین مبنای حرکت، مراحل حرکت و موضوع انتقال از هر مرحله به مرحله دیگر حرکت. یعنی اگر بتوان با استفاده از این سه مفهوم، یک تبیین آکادمیک صحیحی ارائه داد ما توانسته ایم جهت جمهوری اسلامی را تبیین کنیم که بنده گزارش خلاصه‌ای را خدمت شما ارائه می‌دهم.

۱/۴/۱- تبیین مبنای حرکت، ورودی تبیین جهت

اگر بخواهیم جهت حرکت جمهوری اسلامی ایران و انقلاب اسلامی را برای نخبگان و برای عامه مردم و مسئولین تبیین کنیم، ابتدا باید مبنای حرکتش را تبیین بکنیم.

۱/۴/۱/۱- تعریف مبنای حرکت به یک "ایده محوری" عامل در به وجود آمدن حرکت و انگیزه ای از دل همان ایده و برای تحقق آن

مبنای حرکت عبارت است از "ایده محوری" که حرکت و انگیزه از او و به خاطر تحقق او بوجود آمده است.

۱/۴/۱/۲- مبنای حرکت، تغییر ناپذیر در تمامی شرایط زمانی و مکانی با وجود امکان تغییر در سرعت رسیدن به آن مبنای

هیچ شرایط زمانی و مکانی مبنای حرکت را تغییر نمی دهد. ممکن است شرایط زمانی و مکانی مسیر رسیدن به آن را کند بکند ولی تغییر پیدا نمی کند. به هر حال مبنای عبارت است از آن ایده محوری که قابل تغییر نیست و نمیشود دست از آن برداشت.

۱/۴/۱/۲/۱- تغییر مبنای یک حرکت به معنای از بین رفتن و انحراف آن حرکت

اگر مبنای یک حرکت تغییر کند معنایش این است که آن حرکت از بین رفته و به یک حرکت دیگری تبدیل شده است.

۱/۴/۱/۳- تبیین جهت نظام جمهوری اسلامی، نیازمند تبیین مبنای حرکت

بنابراین اگر به دنبال تبیین جهت حرکت نظام جمهوری اسلامی هستیم نیازمند مبنای حرکت و حیطه محوری حرکتی را که شکل گرفته است تبیین کنیم.

۱/۴/۱/۴- تحقق شاخص های هویت اسلامی به عنوان مبنای حرکت جمهوری اسلامی

در نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی، استنباط از ادبیات انقلاب این است که مبنای حرکت جمهوری اسلامی تحقق شاخصه های هویت اسلامی بوده است. یعنی از اول کار که انقلاب شروع شده انگیزه انقلابیون این بوده است که اقامه اسلام بکنند و شاخصه های هویت اسلامی را محقق کنند.

۱/۴/۱/۴/۱- نبود شاخص های اسلامی، یکی از خلاء های تحقق مبنای

به نظرم در بحث مبنای ابهامی نیست و نبوده. بلکه برای احراز هویت اسلامی همیشه شاخص ها محل اختلاف و ابهام بوده است. مثلا ما متدی نداشتیم که در آن شاخص ها را احراز کنیم؛ مثلا می دانیم با ضریب جینی نمی توان عدالت اقتصادی را اندازه گرفت. ما در شاخصه های احراز هویت مشکل داشتیم؛ یعنی بعضی از شاخص ها را آمدم معادل چیزی گرفتیم که استحقاق آن را نداشته است. مثلا همان مثال ضریب جینی که خیلی نمی تواند شاخص عدالت باشد یا اصلا بحث های پیشرفت فرهنگی، کجای آمارهای ما دیده می شود؟ تعالی فرهنگی را چگونه می شود سنجید؟
بله همینطور است که البته در بحث نقشه راه، اتفاقا ما یکی از خلاءهای تحقق مبنایمان را نبود شاخص های اسلامی می دانیم. به هر حال در برنامه ریزی نیاز به شاخص هایی داریم که راجع به آن هم توضیح می دهیم.

۱/۴/۱/۴/۲ - عدم نیاز به تفصیل نام بردن شاخص های هویت اسلامی در تبیین جهت انقلاب

ولی الان اگر عنایت بفرمایید می خواهم جهت جمهوری اسلامی را اجمالاً توضیح بدهم. در مقام تبیین جهت، لازم نیست به تفصیل شاخص های هویت اسلامی را اسم ببریم؛ همین که به اجمال بدانیم مبنای حرکت ما به دنبال تحقق شاخص های هویت اسلامی است کفایت می کند.

۱/۴/۱/۵ - متأثر بودن حرکت های اجتماعی کشور از دو مبنای دیگر در کنار مبنای انقلاب اسلامی

برای اینکه مبنا تبیین بیشتری پیدا کند لازم است دقت کنیم که دو مبنای دیگر در حرکت های اجتماعی ایران موثر بوده است. یعنی به صورت جامعه شناسی اگر مطالعه بفرمایید می بینید حرکت ها از دو مبنای دیگر هم متأثر بوده اند.

۱/۴/۱/۵/۱ - جریان روشنفکری با مبنای ایجاد فرآیند مدرنیزاسیون، جریانی مؤثر در کشور

در این سالهای گذشته از انقلاب ایران، یک مبنا، متعلق است به جریان روشنفکری که آنها هم به میزانی که در جامعه ایران حضور پیدا می کردند بنایشان بر این بوده است که فرایند مدرنیزاسیون را در ایران ایجاد کنند یعنی ایران را به سمت ارزش های مدرن سوق بدهند. اگر کسی بخواهد مبنا و ایده محوری جریان روشنفکری را تبیین کند به این نتیجه می رسد که اینها به دنبال آوردن مدرنیته و بومی کردن مدرنیته در ایران بودند.

۱/۴/۱/۵/۱/۱ - سعی جریان روشنفکری در هماهنگ کردن پتانسیل های اجتماعی برای رسیدن به مبنایی غیر از مبنای انقلاب

خوب! این مبنا در واقع در عرض مبنای انقلاب اسلامی عمل می کند یعنی سعی می کند پتانسیل های اجتماعی را بر مبنای فرمانبری از محوری دیگر هماهنگ کند.

۱/۴/۱/۵/۲ - جریان اسلام سنتی با مبنای استنباط و تبلیغ شاخص های هویت اسلامی، جریان مؤثر دیگری در کشور

یک مبنای دیگری هم در جامعه ایران منشأ آثار هست و آن هم مبنای جریان اسلام سنتی است که حیطه فعالیت خودش را به استنباط شاخص های هویتی اسلامی و ابلاغ این شاخص ها محدود کرده است.

۱/۴/۱/۵/۲/۱ - تحقق شاخص های هویت اسلامی، هدف جریان اسلام سنتی اما بدون برنامه ریزی برای تحقق

جریان اسلام سنتی شاخص های هویت اسلامی را قبول دارد که بر مبنای حرکت های اجتماعی باشند ولی هیچ وقت برنامه ریزی برای تحقق این شاخص ها در دستور کارش نبوده است.

۱/۴/۱/۵/۲/۲ - محدودیت در استنباط و تبلیغ در جریان اسلام سنتی، نه به معنای سکولاریزم

آیا این نوعی سکولاریسم نیست؛ اینکه قائل به قابلیت و حقانیت باشد اما به دنبال تحقق و فعلیت نرود؟ نوعی حکومت گریزی و اجتماع گریزی نیست؟ همانطور که عرض کردم در طول تاریخ جریان اسلام سنتی، در استنباط و تبلیغ فعالیت خودش را محدود کرده است، اما به تعبیر سکولاریزم در عرف بین المللی آن نه!

۱/۴/۱/۵/۳- حرکت و برنامه ریزی برای تحقق شاخص های هویت اسلامی، مبنای انقلاب اسلامی

اما زمانی که مبنای انقلاب را مطرح می کنیم می گوئیم مبنای انقلاب قائل به این است که حتما باید به سمت تحقق شاخص های هویت اسلامی حرکت و برنامه ریزی شود.

۱/۴/۱/۵/۲/۳- فقدان ظرفیتی فراتر از استنباط و تبلیغ شاخص های اسلامی در دو یا سه قرن اخیر

از لحاظ تاریخی برگردید به ۲۰۰-۳۰۰ سال پیش که ظرفیت اجتماعی بیش از این مهیا نبوده است یعنی در حد اینکه استنباط صورت بگیرد و ابلاغ اجتماعی این شاخص ها انجام شود و بیشتر از این اصلا ظرفیت اجتماعی وجود نداشته است.

۱/۴/۱/۵/۲/۳/۱- نامناسب بودن استفاده از مبنای متناسب با ظرفیت گذشته در شرایطی فراتر از ظرفیت گذشته

اینکه مبنایی که متناسب با ظرفیت دوران گذشته است اما در شرایط فعلی که ظرفیت بالاتری از لحاظ اجتماعی هست بکار گرفته شود، این را مناسب نمی دانیم .

۱/۴/۱/۵/۲/۳/۲- استنباط و تبلیغ شاخص های هویت اسلامی، ظرفیت اجتماعی دویا سه قرن اخیر و انجام این رسالت توسط علمای آن دوران

ایشان در آن دوره ظرفیت بیش از آن نداشته اند و به قول معروف رسالت شان را انجام داده اند.

۱/۴/۱/۵/۳/۱- جریان انقلاب اسلامی با قدمت دویست ساله، جریان مقابله کننده با ورود موج های مدرنیته به کشور اسلامی ایران

ممکن است مشخص بشود که مرجع ضمیر این بحث ها چیست؟ چون وقتی شما می فرمایید دو جریان در کنار حرکت انقلاب اسلامی است که یکی جریان روشنفکری و دیگری اسلام سنتی، یکی واضح است و دیگری مبهم! چرا که فی المثل در بحث جریان روشنفکری من از لحاظ تاریخی "تقی زاده" به ذهنم می آید و الان نیز به مروجان تغییر شکل داده است؛ یعنی امثال "بشیریه" و "حجاریان" و "سروش" به ذهنم می آید ولی وقتی می فرمایید "اسلام سنتی" شاید مخاطب خیلی نداند مرجع ضمیر کجاست؟

من می توانم جریان انقلاب اسلامی را از دویست سال پیش که موجهای به اصطلاح مدرنیته به جامعه ایمانی و اسلامی ایران حمله کردند رصد کنم. جریاناتی بودند که در مقابل این موجهای مدرنیته قد علم کردند

۱/۴/۱/۵/۳/۱/۱- حضور ده ها هزار عالم از جمله شیخ فضل اله نوری، مرزای شیرازی و مرحوم مدرس در جریان انقلاب اسلامی و اقدام به جمع آوری نام آن ها در یک دائره المعارف

و نمونه های تاریخی اش معروف است: میرزای کبیر، مرحوم شیخ فضل الله، مرحوم مدرس و سایر علمای بزرگ که چند ده هزار نفرند و ما در حال جمع آوری اسامی اینها در یک دائره المعارف هستیم. فعلا تخمین اولیه حدود ۷ جلد کتاب قطور است. یک جلد از آن هم به نام "چل چراغ های طاغوت شکن" منتشر شده است.

۱/۴/۱/۵/۳/۲- تعریف جریان انقلاب اسلامی به جریان مقابله کننده با ورود موج های مدرنیته از دو قرن پیش و تصمیم بر تشکیل حکومت در انتهای این دو قرن

به هر حال می خواهیم بگوییم آن جریانی که در ۲۰۰ سال گذشته به این نتیجه رسید که باید مقابل موج های به اصطلاح مدرن برنامه ریزی بکند و بعد در انتهای این جریان ۲۰۰ ساله تشکیل حکومت داد، اسمش را "جریان انقلاب اسلامی" گذاشتیم.

۱/۴/۱/۵/۳/۳- جریان انقلاب اسلامی، برخاسته از دل حوزه علمیه علیرغم وجود رگه هایی از اسلام سنتی در گذشته و حال حوزه های علمیه

جریان انقلاب اسلامی در واقع از دل خود حوزه های علمیه برخاسته است. ولی کماکان رگه هایی از همان اول تا الان در حوزه های علمیه وجود دارد که هیچ وقت به ضرورت برنامه ریزی برای تحقق شاخص های هویت اسلامی نرسیده است و این رگه ها هنوز هم هست و شناسایی شخصیت هایشان هم خیلی کار سختی نیست.

۱/۴/۱/۵/۳/۳/۱- جریان انقلاب اسلامی، جریان غالب در حوز های علمیه فعلی

به هر حال می خواهیم بگوییم حوزه های علمیه در جریان غالب به این سمت گرایش پیدا کرده که ضرورت دارد برنامه ریزی تحقق شاخص های هویت اسلامی صورت بگیرد.

۱/۴/۱/۵/۳/۳/۴- ریشه های انقلاب اسلامی از دو قرن پیش

یعنی شما جریان غالب در حوزه را جریان انقلاب اسلامی به معنای معتقدین به برنامه ریزی در برابر امواج مدرنیته می دانید؟ شما ریشه های این جریان را ۲۰۰ ساله می دانید اما آیا این غالب شدن آنها در حوزه در اثر انقلاب بود یا نه؟ بله ما ریشه های انقلاب را از ۲۰۰ سال پیش می دانیم به مفهومی که در مقابله با تمدن مدرنیته جمعی از فقها به این جمع بندی رسیدند.

۱/۴/۱/۵/۳/۱/۲- شروع جریان انقلاب اسلامی از قبل میرزای شیرازی و فتوای ایشان نقطه عطف این جریان

پس علی القاعده حرکت اول این جریان را همان تحریم تنباکو و فتوای مرحوم میرزای شیرازی در برابر قرارداد رژی می دانید؟ آن نقطه عطفی در این جریان است. ولی قبل از آن هم حرکت های میرزا مسیح و جمعیت های دیگری هم قابل رصد هست و اگر با دوستانی که مشغول تألیف همین دایره المعارف هستند مصاحبه ای صورت بگیرد، آنها نقطه آغاز را غیر از حرکت میرزای شیرازی دیدند. یعنی مراجع که اتفاقا در مقابله با امواج مدرنیته و غرب گرایی خیلی فعال هستند ولی به هر حال نقطه علنی درگیری، با حرکت میرزای شیرازی است و نقطه شروع قطعاً قبل از آن بوده است.

۱/۴/۱/۵/۳/۴- جریان اسلام سنتی با مبنای تبلیغ، جریان روشنفکری با مبنای برنامه ریزی برای تحقق ارزش های مدرن و جریان انقلاب اسلامی با مبنای تحقق شاخص های اسلام، سه جریان مؤثر در شرایط فعلی کشور

خوب! پس اگر مطالعه بفرمایید سه ایده محوری به لحاظ جامعه شناسی در شرایط فعلی ایران مؤثر است: همان جریانی که خودش را از حد ابلاغ به حد برنامه ریزی جایز نمی داند یعنی اسلام سنتی، جریانی که برای برنامه ریزی ورود پیدا می کند ولی برنامه ریزی اش به محوریت ارزش های مدرن است یعنی جریان روشنفکری و این وسط جریان اسلام ناب است که همانطور که عرض کردم به دنبال تحقق شاخص های هویت اسلامی است.

۱/۴/۱/۵/۳/۵ - فهم دقیق و عمیق تر زمان و مکان توسط فقهای ثنوری پرداز جریان انقلاب اسلامی در طول دو قرن، مزیت این جریان

باید مقایسه ای دائم و یک بررسی صورت بگیرد که مزیت جریان انقلاب اسلامی این است که در واقع فقهای ثنوری پرداز آن هستند که زمان و مکان را بیشتر از هم دوره ای های خودشان شناختند. ۲۰۰ سال هم هست که بدین روال بوده است.

۱/۴/۱/۵/۳/۵/۱ - واکاوی حادثه مشروطه و بررسی اختلاف میان فقهای در قانون اساسی، گویای تفاوت فقهای جریان انقلاب اسلامی با دیگر فقها

حادثه مشروطه را واکاوی کنید؛ بزرگان حوزه علمیه نجف و عراق با حوزه تهران اختلاف داشته اند؛ مرحوم صاحب عروه حاضر نمی شود قانون اساسی را تأیید کند ولی مرحوم آخوند خراسانی امضا می کند. امروز هم مرحوم سیدمحمدکاظم یزدی صاحب عروه از بزرگان حوزه هستند که کتاب عروه الوثقی ایشان مبنا است و هم کفایه مرحوم آخوند. این اختلاف در نوع برخورد و مواجهه با مدرنیته به چه بر می گردد؟ اصل اختلاف از آن اول بوده است.

۱/۴/۱/۵/۳/۵/۲ - کارآمدتر بودن فقهای جریان انقلاب اسلامی برای حفظ اسلام

به مرور که جلو آمدیم تحولات تاریخی، جامعه شیعه را به این نتیجه رسانده است که آن دسته از فقهای که برنامه ریزی در مقابل تمدن مدرن و تحقق شاخص های هویت اسلامی مبنای حرکتشان است، برای حفظ اسلام کارآمدتر هستند.

۱/۴/۱/۵/۵ - دعوای دو بیست ساله بین دو جریان انقلاب اسلامی و اسلام سنتی و غلبه جریان اول در حوزه های علمیه امروز کشور

به هر حال یک دعوی ۲۰۰ ساله ای است که به نظرم امروز در حوزه های علمیه غلبه با جمعیتی است که مبنای انقلاب را پذیرفته اند. اگرچه جریان هایی هم در گوشه و کنار در حد ابلاغ خودشان را محدود دانستند و هیچ وقت در عرصه برنامه ریزی ورود پیدا نکردند.

۱/۴/۱/۶ - تحقق شاخص های هویت اسلامی مبنای حرکت جمهوری اسلامی

پس مبنای حرکت جمهوری اسلامی به طور خلاصه عبارتند از تحقق شاخص های هویت اسلامی.

۱/۴/۲ - انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی، مراحل پنجگانه تحقق مبنای جمهوری اسلامی

سیر خوبی برای اجماع کردن بر سر مبنای جمهوری اسلامی ارائه کردید. برای احراز هویت اسلامی، بعد از مینا، از مراحل نام بردید؛ منظور از مراحل همان ۵ مرحله ای است که حضرت آقا تبیین فرمودند؟ یعنی همان مراحل؛ ۱-انقلاب اسلامی ۲-نظام اسلامی ۳-دولت اسلامی ۴-جامعه اسلامی و ۵- تمدن اسلامی؟
بله! مبنای جمهوری اسلامی برای تحقق ایده خودش یعنی تحقق حرف اصلی خودش، پنج مرحله تاریخی هم تعریف کرده است. یعنی حرکتی که ما برای تحقق این مبنا می توانیم ترسیم کنیم در پنج مرحله است.

۱/۴/۲/۱- تعریف مرحله اول یعنی انقلاب سال ۵۷ به مرحله سلب اختیارات حکومتی از غیر معتقدین به مبنای انقلاب و واگذاری آن به معتقدین به مبنا

مرحله اول گرفتن اختیارات است از کسانی که معتقد به این مبنا نیستند که ما از آن تعبیر می کنیم به انقلاب سیاسی سال ۵۷؛ یعنی در انقلاب سیاسی سال ۵۷ در واقع از کسانی که معتقد به مبنای انقلاب نیستند سلب اختیار شد و کار به دست کسانی داده شد که معتقد به تحقق شاخص های هویت اسلامی هستند.

۱/۴/۲/۲- تعریف مرحله نظام اسلامی به مرحله معرفی اجمالی حرکت کشور برای تحقق مبنای جمهوری اسلامی

در مرحله دوم، این حرکت و خواست عمومی که برای تحقق مبنای نظام جمهوری اسلامی در جامعه ایران وجود داشت، تعریف اجمالی شد که شما از آن تعبیر میکنید به مرحله نظام اسلامی؛

۱/۴/۲/۲/۱- تعیین نام جمهوری اسلامی در مرحله نظام اسلامی، به معنای تعریف اجمالی هویت کشور و مقابله با تعریف غیر واقعی از این هویت

در واقع وقتی نظام جمهوری اسلامی مستقر شد و نام نظام شما به جمهوری اسلامی تلقی شد، معنایش این است که هویتتان را اجمالی تعریف کردید و نگذاشتید دیگران هویتی را که واقعیت نداشت برای شما تعریف بکنند.

۱/۴/۲/۲/۲- مشخص شدن اهمیت تبیین هویت کشور در حادثه بیداری اسلامی

اهمیت این مسئله الان که حادثه بیداری اسلامی قابل رویت است مشخص می شود.

۱/۴/۲/۲/۳- عدم مصادره هویت انقلاب با تعبیراتی چون جمهوری دموکراتیک، نتیجه تعریف بلافصل هویت کشور و به تعبیر امام راحل "جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد"

در انقلاب ما بلافاصله پتانسیل های بسیج کننده مردم برای حرکت ریشه هایش با هویت اسلام تعریف شد. امام(ره) تأکید داشتند که جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد. در حقیقت هویت انقلاب اسلامی با تعبیراتی چون جمهوری دموکراتیک، مصادره نشد.

۱/۴/۲/۲/۲/۱- تلاش بر معرفی غیر حقیقی حرکت مردم در انقلاب های منطقه و حاکم کردن این تعاریف بر قانون اساسی، از جمله معضلات بیداری اسلامی

امروز یکی از مسائل و معضلات بیداری اسلامی و انقلاب های منطقه این است که عده ای می خواهند حرکت را طور دیگری تعریف کنند و به دنبال این هستند که قانون اساسی هایی که از این انقلاب ها بوجود می آید، یک تعاریف دیگری بر آن حاکم باشد.

۱/۴/۲/۲/۲/۴- معرفی اجمالی هویت کشور، معنای مرحله نظام اسلامی

بنابراین مرحله دیگری که پشت سر گذاشتیم این بود که هویت اجمالی حرکت خودمان، یعنی حرکتی را که مبتنی بر آن مبنا بود تعریف کردیم که از آن به مرحله نظام اسلامی نام برده می شود.

۱/۴/۲/۳- تعریف مرحله فعلی کشور یعنی دولت اسلامی به مرحله توانمندسازی ساختارها در جهت تحقق مبنا

مرحله سوم عبارت است از توانمندسازی ساختارها برای برنامه ریزی بر اساس مبنا. ما در این مرحله هستیم که از این مرحله هم تعبیر می کنیم به مرحله دولت اسلامی.

۱/۴/۲/۳/۱- عدم توانمندی ساختارهای فعلی کشور در برنامه ریزی برای تحقق مبنا، معضل پیشرو در مرحله دولت

اسلامی

مشکل ما در مرحله دولت اسلامی چیست؟ چرا نتوانستیم به سرعت مراحل قبلی از آن عبور کنیم؟ آیا مشکل فقط ریزش ما و مشکلات فردی زمامداران دولتی است یا مشکل ساختاری هم داریم؟ در گام سوم حرکت انقلاب اسلامی برای تحقق مبنای خودش با یک معضلی روبرو هستیم که ساختارها پیمان نمی توانند برای تحقق شاخص های هویت اسلامی برنامه ریزی کنند؛ نه که نمی خواهند، من تعبیرم دقیق است، نمی توانند و توان برنامه ریزی ندارند.

۱/۴/۲/۳/۲/۱- عدم توانمندی مرکز آمار کشور برای محاسبه شاخص عدالت به عنوان یکی از شاخص های هویت

اسلامی، تمثیلی از ضعف ساختارهای فعلی کشور در مسیر تحقق مبنا

مثالی بزنم که مطلب شفاف شود؛ در زمان دولت نهم ما یک جلسات و مذاکراتی با مرکز آمار ایران داشتیم و در آنجا گفتگویی بین ما و یکی از کارشناسان صورت گرفت. آن کارشناس می گفت که شعار این دولت عدالت است ولی من نمیتوانم محاسبه کنم که آیا عدالت افزایش پیدا کرده یا کم شده است؛ محاسبه اش را بلد نیستیم و توان علمی اش را ندارم. می گفت عدالت شعار خوبی است اما من توان ندارم و همکارانم هم نمی توانند عدالت را محاسبه کنند. در واقع می گفت شما نحوه محاسبه عدالت را به ما نشان ندادید. مسئله توانمندی ساختارها، مسئله مهمی است.

۱/۴/۲/۳/۲- ضعف ساختارهای کشور برای تحقق مبنا، معلول فقدان روش محاسبه شاخص ها و این فقدان معلول عدم

تعریف شاخص ها و این ضعف در ساختار نه به معنای عدم پذیرش آن شاخص ها

در برنامه ریزی، اصل شاخص های هویت اسلامی پذیرفته شده است یعنی کارشناسانی که در وزارتخانه ها هستند از نظر ما قطعی است که از عدالت بدشان نمی آید، ولی چون ما عدالت را تعریف نکرده ایم لذا روش محاسبه اش را نداریم و مشکل داریم.

۱/۴/۲/۳/۲/۱- استفاده از معادله ضریب جینی برای محاسبه عدالت، گویای فقدان روش محاسبه شاخص های

اسلامی

فرض بفرمایید به فرمایش شما مثلا می آیند از معادله ضریب جینی برای محاسبه عدالت استفاده می کنند با اینکه ضریب جینی یک معادله است برای توزیع درآمد و توزیع درآمد فقط نسبتی با عدالت دارد؛ یعنی عدالت یک مفهوم حتما حاکم و وسیع تری است از این مسئله.

۱/۴/۲/۳/۲/۱/۱- محاسبه با ضریب جینی به معنای معیار قرار دادن فاصله بین دهک های اقتصادی و پذیرش چندین

دهک در جامعه و پذیرش این موضوع به معنای پذیرش فاصله طبقاتی و این به معنای استفاده از یک معادله ضد عدالت

در مسیر تحقق عدالت

خوب! ما عدالت را تعریف نکردیم لذا وقتی به آنها فشار می آوریم که می خواهیم عدالت را محقق کنیم می آیند ضریب جینی را مبنای محاسبه قرار می دهند و فاصله بین دهک ها را معیار قرار می دهند. با این کار، شما پذیرفتید جامعه ۱۰ دهک اقتصادی بشود و وقتی این را پذیرفتید در واقع فاصله طبقاتی را پذیرفته اید یعنی اصل جوامعی را که فاصله طبقاتی دارند پذیرفتیم. حالا می آییم می گوییم فاصله طبقاتی خیلی شدید نشود. می آیند این را با ضریب جینی محاسبه می کنند یعنی در واقع از یک معادله ای که ضد عدالت است برای محاسبه عدالت استفاده میشود.

۱/۴/۲/۳/۳ - عدم امکان انتقال به مرحله چهارم انقلاب یعنی مرحله جامعه اسلامی در صورت توانمند نکردن ساختارهای کشور برای تحقق مبنا

این به خاطر این است که شما توان برنامه ریزی برای شاخص های هویت اسلامی را در ساختار نظام ایجاد نکرده اید و مادامی که این توان را ایجاد نکنید، به گام چهارم انقلاب که همان جامعه اسلامی است منتقل نمی شوید.

۱/۴/۲/۴ - تعریف مرحله جامعه اسلامی به مرحله توانمند شدن ساختارهای کشور برای تحقق مبنای جمهوری اسلامی

در واقع مرحله بعد از مرحله دولت اسلامی، جامعه اسلامی است. آن مرحله موقعی است که ساختارهای شما در برنامه ریزی برای مبنای جمهوری اسلامی توانمند شده اند.

۱/۴/۲/۴/۱ - میزان تحقق شاخص های هویت اسلامی متناسب با میزان توانایی ساختارها در تحقق

لذا به نسبتی که توانایی ایجاد شود، شاخص های هویت اسلامی محقق شده و به همان مقدار جامعه تان اسلامی شده است و انتقال مرحله ایجاد کرده اید.

۱/۴/۲/۵ - تعریف مرحله تمدن اسلامی به مرحله جلب توجه دیگر ملت ها به درخشندگی تحقق مبنای جمهوری اسلامی

گام بعدی بعد از تحقق مبنای حرکت جمهوری اسلامی این است که درخشندگی این تحقق و این برنامه ریزی چشم دیگر ملت ها را جذب کرده و وارد مرحله تمدن اسلامی یا همان امت اسلامی می شویم.

۱/۴/۲/۶ - وجود رابطه ای بین مبنای انقلاب با هر پنج مرحله از انقلاب

بنابراین هر پنج مرحله با مبنای جمهوری اسلامی نسبتی دارند یعنی از گرفتن اختیارات شروع می کنید تا به معرفی مبنای حرکت جمهوری اسلامی به بقیه ملتها و مستضعفین عالم و حرکت قبل از ظهور، مراحل را ختم می کنید. تصویری که هم اکنون داریم این است.

۱/۴/۲/۳/۴ - مرحله دولت اسلامی، مرحله توانمندسازی ساختارها و به فرمایش امام خامنه ای بیست سال حضور در این مرحله

پس ما به خاطر توانمند نشدن ساختارها در مرحله سوم یعنی دولت اسلامی توقف کرده ایم؟ الگوی اسلامی پیشرفت برای همین توانمندسازی ساختارها باید تبیین شود؟
بله، در این سیر ما هنوز در مرحله توانمند سازی ساختارها هستیم. به فرمایش امام خامنه ای حدوداً ۲۰ سال است که ما در این مرحله هستیم.

۱/۴/۲/۳/۵ - مرحله دولت اسلامی، مرحله توانمندسازی ساختارها برای تحقق مبنای جمهوری اسلامی و نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی، تصویر چگونگی این توانمندسازی

منتها باید سعی کنیم تصویر درستی از دولت اسلامی ارائه کنیم؛ دولت اسلامی یعنی چی؟ ما در نقشه راهمان سعی کرده ایم این کار را انجام دهیم. به نظرمان مرحله دولت اسلامی مرحله توانمندسازی ساختارها برای تحقق مبنای جمهوری اسلامی است که همه فضای نقشه راه ما در واقع چگونگی این توانمندسازی را تصویر میکند.

۱/۴/۳ - تبیین مبنای حرکت انقلاب، سطح اول و تبیین مراحل، سطح دوم مبحث تبیین جهت و همه این موارد برگرفته از بیانات امام خامنه ای

یعنی نقشه راه الگوی اسلامی پیشرفت، چگونگی توانمندسازی ساختارها را برای برنامه ریزی بر مبنای جمهوری اسلامی تصویر می کند. پس جهت جمهوری اسلامی همانطور که عرض کردیم در سه سطح باید تبیین شود: یک سطح بحث مبنا که عرض کردیم تحقق شاخص های خوبی از الگوی پیشرفت اسلامی است، سطح دوم مراحل تحقق این مبنا است که عرض کردیم. همه این موارد برگرفته از نظر آیت الله خامنه ای در ۵ مرحله است و تصویر روشنی هم ایشان از این مراحل مشخص کردند که حالا ما سعی کردیم مسئله ایشان را تبیین کنیم.

۱/۴/۲/۷ - تفسیر درست مراحل پنجگانه، معلول توجه به دخیل بودن مبنا در تفسیر مراحل

البته تفسیر و تحلیل خیلی خوبی بود از ۵ مرحله. آنچه شما گفتید تفسیر نظام مندی بود از مراحل پنجگانه ای که حضرت آقا فرمودند...
علتش این است که مبنای حرکت جمهوری اسلامی در تفسیر مراحل دخیل است یعنی اگر شما توجه به مبنا کنید این مراحل درست معلوم می شوند.

۱/۴/۲/۳/۶ - مرحله دولت اسلامی، موضوع اصلی کشور

به هر حال موضوع اصلی کار ما در گام سوم مراحل است.

۱/۴/۴ - وجود یک موضوع انتقال از هر مرحله به مرحله بعد

ما الان داریم به این سمت حرکت می کنیم که موضوعات انتقال از هر مرحله به مرحله بعد را شناسایی کنیم. از هر مرحله به مرحله بعدی یک "موضوع انتقال" داریم؛ بخاطر اینکه ما آن روزی شاخصه های هویت اسلامی را محقق می کنیم که برسیم به مرحله پنجم یعنی مرحله آخر.

۱/۴/۴/۱ - وجود مراحل برای تحقق شاخص های هویت اسلامی یعنی عدم امکان تحقق زود هنگام و یک مرحله ای شاخص ها

مبنای جمهوری اسلامی در ۵ مرحله قابل تحقق است یعنی روز اول شما نمی توانید همه شاخص های هویت اسلامی را محقق کنید. روز اول جامعه اسلامی ظرفیت تحقق همه هویت اسلامی را ندارد.

۱/۴/۴/۲ - تحقق مبنا در پنج مرحله به معنای تحقق قسمتی از مبنا در هر مرحله

حال به درک شما (فقها) عرض می‌کنم یعنی به درک تفقه ظاهری ما؛ زمانی که پذیرفتید در ۵ مرحله تاریخی، هویت اسلامی تحقق پیدا بکند پس معنایش این است که در هر مرحله ای یک سطر و یک قسمت از آن مبنا را می‌توانید محقق کنید.

۱/۴/۴/۳- ضرر در برنامه ریزی اجتماعی، نتیجه تشخیص اشتباه موضوع انتقال

موضوع انتقال به درک سیر مراحل کمک می‌کند؟ یا به عبارتی دیگر، موضوع انتقال در هریک از مراحل، اولویت های سیر مراحل را مشخص می‌کند؟

مسئله این است که اگر در موضوع انتقال اشتباه کنیم و در آن بخشی که ظرفیت داریم متمرکز نشویم، در آن صورت در برنامه ریزی اجتماعی ضرر می‌کنیم. باید ببینید امروز چرا شاخصه های هویت اسلامی به تمامی محقق نشده است.

۱/۴/۴/۴- تمرکز بر یک موضوع بدون ظرفیت اجتماعی تحقق آن، به معنای عدم تحقق آن موضوع و فرصت سوزی در موضوع با ظرفیت تحقق

از یک طرف اگر در موضوعی که ظرفیتش را نداریم متمرکز شویم قطعاً محقق نمی‌شود و مهم تر این است که فرصت تان را برای تحقق همان بخشی که هنوز ظرفیتش هست می‌سوزانید.

۱/۴/۴/۵- وجود پنج مرحله برای تحقق مبنا، به معنای عدم امکان تحقق همه مبنا در یک مرحله و طرح موضوع انتقال نتیجه پذیرش این مسأله

اینکه می‌گوییم شاخص های هویت اسلامی مبنای ما است و در ۵ مرحله محقق می‌شود، معنایش این است که به صورت منطقی و عقلانی پذیرفته ایم که ظرفیت تحقق همه مبنا در یک مرحله وجود ندارد پس طبیعتاً بحث موضوع انتقال و اولویت مطرح می‌شود. باید یک مرحله ای را کامل کنیم بعد گام بعدی را برداریم و بعد در ۵ مرحله آن هدف نهایی را محقق کنیم.

۱/۴/۴/۶- تعریف تمثیلی موضوع انتقال به مقدار مبنای قابل تحقق از مرحله انقلاب اسلامی تا مرحله نظام اسلامی

پس موضوع انتقال مراحل، با توجه به ظرفیت ها و اقتضائات هر مرحله تعیین می‌شود؟ تلقی شما از موضوع انتقال همین است؟

موضوع انتقال در واقع معنایش این است که فی‌المثل شما در مرحله انقلاب اسلامی هستید و باید ببینید تا مرحله نظام اسلامی چقدر از مبنا را می‌توانید محقق کنید، همان قدر را شناسایی کنید و موضوع اصلی تان را محقق کردن همان بخش قرار دهید.

۱/۴/۴/۶/۱- مقدار مبنای قابل تحقق، متناسب با توجه و قدرت نیروی انسانی

چرا؟

چون همان بخش را می‌توانید محقق کنید. ظرفیت انسانی شما در همان حد توجه است و برای همان قدر قدرت دارد.

۱/۴/۴/۶/۱/۱- شابهت فرمایشی امام خامنه ای در مورد تناسب بین مقدار ایمان مردم با مقدار شناخت ایشان از اسلام با تناسب بین ظرفیت جامعه و مقدار مبنای قابل تحقق

یک فرازی در صحبت های آیت الله خامنه ای وجود دارد که این بحث را تبیین می‌کند. حضرت آقا می‌فرمایند مردم ایران مومن هستند ولی مومن به اسلامی که می‌شناسند. یعنی روحانیت ما و مجموعه جامعه شیعه ما هنوز موفق نشده ایم که هم

در مرحله استنباط و هم در مرحله معرفی، اسلام را همانطور که هست بشناسیم. ولی همان قدری را که شناختیم مردم به آن مومن هستند و پایبند هستند. در واقع در بحث از موضوع انتقال، حرفی را شبیه فرمایش امام خامنه ای مطرح می کنید. می گویند: زمانی که در مرحله انقلاب اسلامی هستید فقط می توانید حکومت اسلامی را مستقر کنید ولی نمی توانید مثلاً ربا را بردارید، نمی توانید شاخص های دیگر اسلامی را همان روز محقق کنید. ولی بالاخره تشکیل حکومت اسلامی بخشی از هویت اسلامی اس و. ما ظرفیت تشکیل حکومت را داریم.

۱/۴/۴/۶/۲ - چگونگی برنامه ریزی برای تشکیل حکومت، اولویت اصلی نظام اسلامی و حرکت بی ثمر نتیجه تمرکز بر موضوع بدون اولویت

بنابراین بعد از مرحله انقلاب اسلامی، مرحله نظام اسلامی اولویت اصلی ماست و موضوع انتقال، چگونگی برنامه ریزی برای تشکیل حکومت باید باشد. اگر در این مسیر کسی به بهانه اینکه مبنایمان هویت اسلامی است ما را فرا بخواند به یک مرحله ای که ظرفیت اش را نداریم و مثلاً کارهایی انجام دهد که مربوط به مرحله ۲۰ سال بعد است، ثمری نخواهد داشت.

۱/۴/۴/۶/۳ - طرح مسأله الگوی پیشرفت اسلامی در فاصله بین سال ۴۱ تا ۵۷ یعنی عدم وصول به این هدف به علت فقدان ظرفیت اجتماعی

مثلاً فرض بفرمایید در فاصله سال ۴۹ تا ۵۷ جمعیت هایی بودند که می گفتند الان الگوهای پیشرفت اسلامی باید تولید شود. دقت کنید در آن زمان هنوز ما حکومت تشکیل نداده بودیم ولی آن ها این موضوع را مطرح می کردند. طبیعتاً این موضوع در درک و ظرفیت مردم نبود و اگر هم درکش می کردند نمی شد بدون تشکیل حکومت انجام شود و ابزار اجرایش نبود، نیروی انسانی اش را نداشتیم، اصلاً فکرش تبیین نشده بود.

۱/۴/۴/۷ - موضوع انتقال به معنای محاسبه آن مقدار قابل تحقق از مبنا

بنابراین مسئله موضوع انتقال که عرض کردیم مسئله مهمی است. موضوع انتقال یعنی محاسبه آن مقدار از مبنا که الان ظرفیت تحقق اش وجود دارد.

۱/۴/۴/۷/۱ - شناسایی اشتباه موضوع انتقال و تقاضای تحقق مبنای اضافه بر ظرفیت عامل از بین بردن فرصت برای آن مقدار قابل تحقق از مبنا در هر مرحله و همچنین ایجاد یک حالت شعارزدگی در مردم جامعه

اگر شما این محاسبه را اشتباه انجام دهید و اضافه بر ظرفیت، تقاضای تحقق مبنا کنید معنایش این است که هم فرصت آن مقدار قابل تحقق را از بین بردید، هم جامعه را دچار یک حالت شعارزدگی کردید؛ چون قطعاً این مسأله با شعار شما تحقق پیدا نخواهد کرد.

۱/۴/۴/۷/۲ - ایجاد تزلزل در مردم جامعه و ناامیدی برای حرکت جامعه به سمت هدف، نتیجه قهری شناسایی اشتباه موضوع انتقال

نتیجه این اشتباه آن است که جامعه را به این نتیجه می رسانید که ما حرکت کردیم ولی نشد یعنی جامعه را دچار حالت ناامیدی می کنید؛ به مردم گفتید بیایید در صحنه فلان چیز را محقق کنیم اما چون ظرفیت و زمینه اش نبود، محقق نشد و مردم نسبت به اصل مبنا دچار تزلزل می شوند.

۱/۴/۴/۸- تشخیص موضوع انتقال، علت انتقال

لذا ما در نقشه راه گفتیم که تشخیص موضوع انتقال علت انتقال می شود

۱/۴/۴/۹- انتقال به مرحله بعد، بسته به تشخیص صحیح موضوع انتقال و تشخیص غلط موضوع انتقال توسط برخی

نیروهای انقلابی

و متأسفانه جمعی از نیروهای انقلاب در تشخیص موضوع انتقال دچار مشکل اند. به همان میزان که دچار مشکل اند انتقال ما به مرحله بعد هم دچار مشکل می شود؛ در واقع چون پتانسیل اجتماعی اش را نداریم همه باید فعالیت بکنند تا آن ابزار قابل تحقق که ظرفیت تحقق اش هست تحقق پیدا کند. نیروها رفتند یک جای دیگری و روی مسئله دیگری ایستادند.

۱/۴/۴/۸/۱- تعریف هویت کشور به جمهوری اسلامی و مقابله با تعاریف غیر واقعی مانند جمهوری دموکراتیک، محصول تمرکز امام راحل عظیم الشان بر تبیین مسأله ولایت فقیه و حکومت اسلامی و به عبارتی تمرکز بر جمله "اسلام خودش حکوت دارد"

برای ملموس شدن بحث باید مثال بزنید که کجاها این موضوع انتقال درک نشد؛ این را با یک مثال توضیح دهید. در فاصله سال ۴۲ تا ۵۷ مرحله انقلاب اسلامی اس؛ در این فاصله انقلاب پیروز شدند و غیرمعتقدین به مبنا رفتند. حالا مرحله بعد از شما چیست؟ مرحله نظام اسلامی است. در آن مرحله حکومت شما به یک حکومت دموکراتیک تعریف نشد یعنی نشد جمهوری دموکراتیک- این هم یک اعتقادی است - بلکه جمهوری اسلامی شد. این محصول تمرکز امام(ره) و نیروهای انقلاب برای تبیین آن جمله "اسلام خودش حکومت دارد" یا "تئوری ولایت فقیه" است. یعنی به دلیل اینکه در فاصله بین مرحله انقلاب اسلامی و نظام اسلامی امام خمینی موضوع اصلی تکلیفشان را این قرار داده بودند که پدیده حکومت اسلامی و چگونگی اش را تبیین کنند و ظرفیت ها را برای آن بسیج کنند، این باعث شد که انتقال پیدا بکنیم به مرحله بعد.

۱/۴/۴/۸/۲- اختیارات فقیه و مسأله حکومت اسلامی به عنوان بخشی از هویت اسلامی و عدم امکان تحقق مضاف بر

این مبنا در دوران انقلاب اسلامی تا نظام اسلامی و تمرکز امام بر این بخش از مبنا عامل انتقال به مرحله بعد

اصلا ظرفیت تحقق بیش از آن وجود نداشت. اختیارات فقیه و مسئله حکومت اسلامی بخشی از هویت اسلامی است یعنی بخشی از مبنا است ولی همان بخش در آن سالها قابلیت تحقق داشت یعنی بعد از اینکه امام راحل عظیم الشان مرحله انقلاب اسلامی را انجام دادند ما به سلامت به مرحله نظام اسلامی منتقل شدیم. یک علتش این است که امام تمرکز داشتند به تبیین پدیده حکومت اسلامی و تئوری ولایت فقیه.

۱/۴/۴/۸/۲/۱- تبیین مسأله ولایت فقیه توسط امام در اوایل دهه چهل برای اقشار مختلف مردم و به خصوص

روحانیت، عامل همراهی جامعه در زمان مطرح شدن بحث جمهوری اسلامی

البته امام مسئله ولایت فقیه را برای اقشار مختلف، علی الاخصاص برای روحانیت از سال های دهه چهل تبیین کردند. لذا وقتی بحث جمهوری اسلامی مطرح شد تئوری مبنایی آن جا افتاده بود.

۱/۴/۴/۸/۲/۲- بی نتیجه ماندن تلاش روشنفکران برای ایجاد انحراف در مسیر انقلاب

بعد از انقلاب تلاش هایی که روشنفکران و دیگران کردند منجر نشد که مسیر انقلاب منحرف شود.

۱/۴/۴/۸/۲/۲/۱ - عدم موفقیت روشنفکران خبرگان قانون اساسی در محقق کردن کامل برخی از بندهای قانون اساسی به نفع خودشان

اگر فعالیتهای گروه های روشنفکری را در خبرگان قانون اساسی مطالعه کنید حتی نتوانستند در قانون اساسی بندهایی را به نفع خودشان کاملاً محقق کنند.

۱/۴/۴/۸/۲/۲/۲ - عدم انعکاس تمامی اختیارات ولی فقیه در قانون اساسی، معلول فشارهای روشنفکران در تدوین این قانون

البته فشارهایی که آوردند باعث شد در قانون اساسی ما همه اختیارات فقیه منعکس نشود اما به صورت کلی اصل ولایت فقیه گنجانده شد.

۱/۴/۴/۸/۲/۲/۲/۱ - امکان ایجاد ضرورتی در آینده برای جبران نقائص قانون اساسی مثلاً گنجاندن تمامی اختیارات فقیه در این قانون

البته امام (ره) فرمودند بخشی از اختیارات ولی فقیه در قانون اساسی گنجانده شده و حال سوالی پیش می آید که آیا در ادامه سیر این مراحل نیازی نداریم برگردیم و آن اختیاراتی را که حضرت امام می گفتند اضافه کنیم؟

در مسئله بازنگری قانون اساسی که حضرت آقا چندی پیش فرمودند امکان تغییرش هست، بله. در آن مرحله ممکن است ما برگردیم این مسائل را جبران کنیم. یعنی پس از قانون اساسی مصوب ۵۸ و تغییرات ۶۸ ممکن است چنین ضرورتی در جامعه ایجاد بشود. مهم این است که ما به موضوع انتقال متمرکز شویم.

۱/۴/۴/۸/۳ - مسأله ولایت فقیه، موضوع انتقال از مرحله انقلاب اسلامی به مرحله نظام اسلامی

پس موضوع انتقال از مرحله انقلاب اسلامی به مرحله نظام اسلامی، مسئله ولایت فقیه بود که باید روی آن متمرکز می شدیم تا انتقال صورت می گرفت.

۱/۴/۴/۸/۴ - تمرکز بر موضوع ولایت فقیه، عامل استقرار نظام و پذیرش احکامی از اسلام در قانون اساسی

با تمرکز به این موضوع نظام مستقر شد یعنی ایجاد شد و بالاخره در قانون اساسی مسائلی پذیرش شد

۱/۴/۴/۸/۴/۱ - ضرورت انتقال انقلاب به نظامی کارآمد و مستقل و با توانایی اداره زندگی مردم

ولی اینکه نظام اسلامی بتواند کارآمد شود یعنی سرپای خودش بایستد، استقلال پیدا کند، وابستگی های شدیدی را که از دوره پهلوی به جا مانده بود جبران کند و شما یک نظام مستقر داشته باشید که بتواند زندگی مردم را اداره کند، این مرحله باید انجام می شد.

۱/۴/۴/۸/۵ - استقرار نظام، زمینه ورود به مرحله دولت اسلامی و در رأس امور قرار گرفتن موضوع جنگ، عامل این استقرار و همچنین عامل ایجاد ظرفیتی برای اداره حکومت توسط نیروهای حزب الهی

یعنی استقرار باید به انجام می‌رسید که بعد وارد مرحله دولت اسلامی می‌شدیم. این استقرار هم با در رأس امور قرار گرفتن جنگ محقق شد یعنی اگر پدیده جنگ نبود ما ظرفیت اداره یک حکومت را توسط نیروهای حزب الهی بدست نمی‌آوردیم. یعنی پایه گذاری استقرار کشور به وسیله جنگ اتفاق افتاد.

۱/۴/۴/۸/۵/۱- کلید "جنگ در رأس امور است" موضوع انتقال از مرحله نظام اسلامی به مرحله دولت اسلامی

به نظرم موضوع انتقال از مرحله نظام اسلامی به دولت اسلامی با کلید جمله "جنگ در رأس امور است" اتفاق افتاد.

۱/۴/۴/۸/۵/۲- همزمانی تبیین امام از مسأله جنگ و فرمایش ایشان مبنی بر نعمت بودن این جنگ با صدور انقلاب و پایه گذاری استقرار کشور

بعدها امام تبیینی فرمودند راجع به مسئله جنگ و فرمودند جنگ برای ما یک نعمت بود و خواص آن را دیدیم و به نظر من از آن موقع بود که انقلاب صادر شد و از آن موقع بود که استقرار کشور پایه گذاری شد.

۱/۴/۴/۸/۵/۳- به پذیرش رساندن نظام در مرحله دوم، نه به معنای توانایی اداره کشور

بنابراین در گام دوم هم نظام اسلامی را به پذیرش رسانده ایم. ولی معنایش این نیست که الان می‌توانیم کشور را اداره کنیم.

۱/۴/۴/۸/۵/۴- استقرار نظام بعد از جنگ و به رسمیت شناخته شدن آن و ایجاد یک هویت عمومی در کارآمدی آن، نتیجه هشت سال جنگ تحمیلی

۸ سال جنگ باعث شد که ظرفیتی را بدست بیاوریم. این کاری بود که باید انجام می‌دادیم و با تقدیر خدای متعال و مدیریت صحیح امام(ره) به این ظرفیت دست پیدا کردیم. بعد از جنگ، به واقع ما مستقر شدیم؛ همه دنیا ظرفیت ما را به رسمیت شناخت و بعد از جنگ یک هویت عمومی و احساس عمومی ایجاد شد که نظام اسلامی کارآمد است.

۱/۴/۴/۸/۵/۴/۱- عدم تجزیه کشور در جنگ تحمیلی بر خلاف جنگ های دو قرن اخیر کشور گویای به رسمیت شناخته شدن ظرفیت و هویت کشور

یعنی در ۲۰۰ سال گذشته هر جنگی اتفاق می‌افتاد یک بخشی از کشور جدا می‌شد ولی در دفاع مقدس یک وجب از خاکمان را هم از دست ندادیم.

۱/۴/۴/۸/۵/۵- پایه ریزی ظرفیت تکنولوژی کشور در مرحله استقرار نظام به معنی بعد از جنگ تحمیلی

علاوه بر این ظرفیت تکنولوژی کشور در آن مرحله استقرارش پایه ریزی شد.

۱/۴/۴/۸/۵/۶- رحلت امام خمینی و آغاز امامت اجتماعی امام خامنه ای مصادف با ورود به مرحله دولت اسلامی و ورود به این مرحله به معنای امکان توجه به ساختارهای کشور طبق فرمایش امام خامنه ای

لذا با رحلت امام راحل عظیم الشان و آغاز امامت اجتماعی امام خامنه‌ای، وارد دولت اسلامی شدیم یعنی توانستیم به تدریج طبق فرمایشات مقام معظم رهبری به ساختارهای کشور توجه کنیم.

۱/۴/۴/۸/۶/۱ - اشاره امام خامنه ای در ابتدای مرحله دولت اسلامی به مسائلی از قبیل عدالت، حکمت، مصلحت و ... به معنای بسیج کردن جامعه برای رفتن به سوی توانمندسازی ساختاری برای تحقق مبنا

اگر دقت کنید حضرت آقا در آن دوران، از عدالت، حکمت، عزت، مصلحت و مسائلی از این قبیل صحبت می کنند، ولی موضوع گفتمان سازی ایشان این نیست که حالا می خواهیم مردم را دعوت کنیم بیایند نظام تشکیل بدهند. بحث این بود که در حال بسیج کردن مردم هستیم و راجع به تغییر ساختارها صحبت می کنیم. یعنی رفتن به سمت همین توانمندسازی ساختاری برای تحقق مبنا؛ چون الان در این مرحله هستیم.

۱/۴/۴/۸/۶/۲ - موضوع دفاع مقدس علت انتقال از مرحله نظام اسلامی به مرحله دولت اسلامی و مسأله پیشرفت اسلامی علت انتقال از مرحله دولت اسلامی به جامعه اسلامی

از یک منظر، همینطور که قوام نظام اسلامی و علت انتقال نظام اسلامی به مرحله دولت اسلامی پدیده دفاع مقدس بود حالا هم قوام دولت اسلامی یعنی انتقال آن به مرحله جامعه اسلامی باز یک موضوع انتقال دارد که آن مسئله پیشرفت اسلامی است.

۱/۴/۴/۸/۶/۲/۱ - اهمیت تمرکز بر موضوع "تولید الگوی پیشرفت اسلامی" برای انتقال از مرحله دولت اسلامی به مرحله جامعه اسلامی همانند اهمیت تمرکز بر موضوع دفاع مقدس برای انتقال از مرحله نظام اسلامی به مرحله دولت اسلامی

یعنی شما همانطور که می گوئید نظام اسلامی آن موقعی استقرار واقعی پیدا کرد که ما از کوره دفاع مقدس عبور کردیم و آن را در راس امورمان قرار دادیم و دفاع مقدس زمینه استقرار نظام را در عالم ایجاد کرد یعنی هم در درون و هم در بیرون، حالا هم در مرحله انتقال از دولت اسلامی به جامعه اسلامی هستیم؛ لذا باید موضوع انتقال را شناسایی بکنیم که به نظر ما موضوع انتقال از مرحله دولت اسلامی به مرحله جامعه اسلامی، "تولید الگوی پیشرفت اسلامی" است.

۱/۴/۴/۸/۶/۲/۲ - اهمیت مسأله تولید الگوی پیشرفت اسلامی به عنوان موضوع انتقال از مرحله دولت اسلامی به مرحله جامعه اسلامی عدل اهمیت دو موضوع ولایت فقیه و دفاع مقدس

از همین رو مسأله تولید الگوی پیشرفت اسلامی که موضوع انتقال از مرحله دولت اسلامی به مرحله جامعه اسلامی است عدل جنگ و عدل بحث ولایت فقیه اهمیت دارد.

۱/۴/۴/۸/۶/۲/۳ - مسأله تولید الگوی پیشرفت اسلامی، موضوع انتقال از مرحله دولت اسلامی به مرحله جامعه اسلامی

الان در مرحله دولت اسلامی هستیم و موضوع انتقال این مرحله که مرحله آینده را تبیین می کند ، پیشرفت اسلامی است.

۱/۴/۴/۸/۶/۲/۴ - توانایی در ارائه الگو به معنای توانایی در تبیین جهت حرکت جمهوری اسلامی

اگر بتوانیم الگو ارائه دهیم در واقع توانسته ایم جهت حرکت جمهوری اسلامی را تبیین کنیم.

۱/۴/۴/۸/۶/۲/۵ - عدم تبیین صحیح جهت جمهوری اسلامی و در حقیقت عدم فهم مراحل، آسیب شرایط فعلی کشور

آسبایی که در شرایط فعلی موجود است این است که جهت جمهوری اسلامی به خوبی تبیین نمی شود. در حقیقت در بحث فهم مراحل دچار مشکل هستیم.

۱/۷/۸/۴/۴-۱ در رأس امور قرار گرفتن تبیین مسأله الگوی پیشرفت، عامل انتقال از مرحله دولت اسلامی به جامعه اسلامی

اگر واقعا بخواهیم از مرحله دولت اسلامی انتقال پیدا کنیم باید تبیین مسأله الگوی اسلامی پیشرفت را در رأس برنامه هایمان قرار دهیم.

۲- تعریف نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی به نقشه تبیین چگونگی توانمندسازی ساختارها و به عبارتی چگونگی تولید الگوی پیشرفت اسلامی

آیا بحث نقشه راه برای تولید الگوی اسلامی پیشرفت، از آن جهت اهمیت دارد که موضوع انتقال امروز است؟ اگر از ما بپرسند که نقشه راه تولید الگوی پیشرفت شما مسئله اش چیست؟، جواب ما در یک کلمه توانمندسازی ساختارهاست یعنی چگونگی توانمندسازی ساختارها را تبیین کرده ایم

۱/۲- بحث از توانمندسازی ساختارها به معنای بحث از الگوی جدید اداره جامعه و این به معنای بحث از الگوی پیشرفت اسلامی

و وقتی شما از توانمندسازی ساختارها بحث میکنید در واقع از الگوی اداره کشور به نحو جدیدی صحبت می کنید پس از الگوی پیشرفت اسلامی صحبت می کنید.

۲/۲- تبیین توانمندسازی ساختارهای جمهوری اسلامی برای تحقق مبنا در سه مرحله و به عبارتی مرحله دولت اسلامی مشتمل بر سه مرحله

از این جا به بعد همه بحث متمرکز است در تبیین چگونگی توانمندسازی ساختارها. در گام اول جدول توانمندسازی ساختارهای جمهوری اسلامی برای تحقق مبنا یعنی همین تولید الگو را در سه مرحله تبیین کرده ایم یعنی به نظرمان همین مرحله سوم تکاملی انقلاب که آن را دولت اسلامی می نامید، سه مرحله است:

۱/۲/۲- مرحله اول توانمندسازی در دو دهه گذشته با آغاز امامت اجتماعی امام خامنه ای

یک مرحله توانمندسازی در ۲۲-۲۳ سال گذشته اتفاق افتاده است یعنی امامت اجتماعی آیت الله خامنه ای از ابتدا تاکنون برای مرحله دولت اسلامی بوده است.

۲/۲/۲- مرحله دوم توانمندسازی ساختارها از هفت یا هشت سال پیش، مصادف با آغاز دهه عدالت و پیشرفت و مصادف با فرمایش امام خامنه ای در مورد تغایر مفهومی دو اصطلاح توسعه و پیشرفت

از طرف دیگر از هفت هشت سال پیش به این طرف، مرحله دوم دولت اسلامی بوده است. یعنی از زمانی حضرت آقا دهه را به نام دهه پیشرفت و عدالت نامگذاری کردند و فرمودند که من متعمدا کلمه توسعه را بکار نمی برم و با دقت کلمه پیشرفت را انتخاب کردم، از نظر ما همان فرمایش معروف ایشان و این که پیشرفت باید تبیین شود، مرحله دوم است.

۲/۲/۳- تبیین مرحله سوم توانمند سازی ساختارها یا همان مرحله تکامل در نقشه راه

در همین مسیر یک برنامه ای هم به نام تکامل، در داخل نقشه راه، نامگذاری کرده ایم.

۲/۲/۱/۱- مرحله اول دولت اسلامی همان قانون اساسی مصوب ۵۷ با تغییرات ۶۸ به دلیل تئوریزه شدن نحوه ای از اسلامیت در این قانون

عنوان مرحله اول دولت اسلامی را قانون اساسی مصوب ۵۷ با تغییرات ۶۸ نامیده ایم. بالاخره در قانون اساسی فعلی ما یک نحوه اسلامیت تئوریزه شده و مبنا قرار گرفته است و مرحله ای است که ما برای احراز دولت اسلامی طی کرده ایم.

۲/۲/۱/۱/۱- طبق محورهای پیشنهادی نقشه راه، قانون اساسی آینده با عنوان قانون اساسی الگوی پیشرفت اسلامی متأثر از الگوی پیشرفت

آیا شما در نقشه راه خود، توانمندسازی ساختاری قوانین را هم لحاظ کرده اید؟ یعنی همان بحث حضرت آقا که فرمودند باید در محاسن و معایب ساختارهای فعلی بحث شود تا شاید در آینده لازم باشد تغییری ایجاد شود؟ در آینده بحث تغییر قانون اساسی بحث احتمالی است. محورهای نقشه راهی که ما پیشنهاد دادیم این بود که قانون اساسی آینده باید متأثر از الگوی پیشرفت اسلامی باشد و قانون اساسی ای باشد که مبین روابط ساختاری آینده ما باشد که از آن تعبیر کردیم به قانون اساسی الگوی پیشرفت اسلامی.

۲/۲/۱/۱/۲- قانون اساسی انقلاب فرهنگی، پیشنهاد نقشه راه برای قانون اساسی تکامل دولت اسلامی

یک قانون اساسی هم برای تکامل دولت اسلامی پیشنهاد دادیم که از آن تعبیر کردیم به قانون اساسی انقلاب فرهنگی.

۲/۲/۱/۱/۲/۱- قانون اساسی انقلاب فرهنگی به معنای تئوریزه کردن روابط ساختاری متناسب با تحول در حوزه و دانشگاه و استخراج یک اصول حقوقی از آن

یعنی موقعی که تحول در حوزه و تحول در دانشگاه استارت خورد بعد از آن باید روابط ساختاری متناسب با آن تحول را تئوریزه کنید و از آن یک اصول حقوقی بیرون آورید.

۲/۱/۱- عدم امکان رسیدن به پیشرفت اسلامی و احراز هویت اسلامی با به کارگیری توسعه غربی در مرحله دولت اسلامی

الان ما در چه مرحله ای از این نقشه راه قرار داریم؟ ما در این مرحله هستیم که کشور به این جمع بندی رسیده است که با بکارگیری توسعه غربی و مفاهیم توسعه غربی نمی شود به پیشرفت اسلامی و احراز هویت اسلامی رسید.

۲/۱/۱/۱- عدم امکان تحقق شاخص های اسلام با مؤلفه های توسعه غربی از جمله جامعه شناسی، مدیریت و اقتصاد

بحث توسعه هم رشته بین بخشی است یعنی جامعه شناسی، مدیریت و اقتصاد مؤلفه های اصلی هستند. در همه این موارد تحقق شاخص های اسلامی با مؤلفه های توسعه غربی ممکن نیست.

۲/۱/۱/۲- هزار شاخص در شش بخش در گزارش بانک جهانی توسعه و برنامه ریزی این هزار شاخص در تحقق مبنای توسعه غربی

اخیرا گزارش سال ۲۰۱۲ بانک جهانی را که مطالعه می کردیم دیدیم هزار شاخص در ۶ بخش وجود دارد. این هزار شاخص بر مبنای توسعه غربی برنامه ریزی می کند.

۲/۱/۱/۲/۱- عدم وجود شاخص های هویت اسلامی از جمله خانواده و عدالت در بین هزار شاخص بانک جهانی توسعه

مثلا فرض بفرمایید شاخص های خانواده و همچنین شاخص های مربوط به عدالت در این هزار شاخص دیده نمی شود.

۲/۱/۱/۲/۲- موارد فراوان تعارض شاخص های توسعه با پیشرفت اسلامی

حالا اگر بخواهیم تعارض هایش را با پیشرفت اسلامی بگوییم موارد خیلی زیادی است.

۲/۱/۱/۲/۳- عدم امکان گزینش شاخصی از شاخص های توسعه و این، لازمه ایجاد یک پکیج شاخص جدید

به نظرم اگر با یک دقت کارشناسی نگاه کنیم اصلا نیاز به یک پکیج شاخص جدید داریم حتی نمی توانیم از شاخص های آن ها گزینش هم کنیم .

۲/۱/۱/۲/۳/۱- امکان گزینش از شاخص های توسعه در وقت اضطرار

اما یک وقت اضطرار هست و آن یک فضای دیگری دارد،

۲/۱/۱/۲/۴- اشاره به شاخص فراوانی موبایل یا استفاده خانگی از اینترنت در بحث شاخص های فرهنگ، گویای عدم امکان رسیدن به پیشرفت اسلامی با این شاخص ها

فرض بفرمایید مثلا در شاخص های فرهنگ که شاخص فراوانی موبایل یا استفاده خانگی از اینترنت را مورد اشاره قرار می دهد با مبنای ما خیلی فاصله دارد. اگر این شاخص ها را بعنوان شاخص های بخش فرهنگ معرفی کرده، با مبنا قراردادن اینها به جایی نمی رسیم و ما نمی توانیم بگوییم به هر میزان استفاده از اینترنت محقق می شود ما توسعه یافته تریم.

۲/۱/۱/۲/۴/۱- توانمندی ساختارهای کشور برای برنامه ریزی طبق شاخص های توسعه به دلیل وجود شاخص و روش محاسباتی آن شاخص

به هر حال بحث از شاخص ها یک بحث اساسی است چرا که در یک کلمه **WDI** الان در کشورمان مبنای برنامه ریزی است یعنی کارشناسان ما در وزارت ارتباطات و سایر وزارتخانه هایمان سعی می کنند برای تحقق آن شاخص ها برنامه ریزی کنند و روابط محاسباتی و جداول اطلاعات آن هم موجود است. یعنی برای تحقق شاخص های توسعه غربی و برای رسیدن به آن سمت توانمند هستند.

۲/۱/۱/۲/۵- نیاز به یک گزارش سالیانه از چستی شاخص های هویت اسلامی برای توانمندسازی ساختارهای کشور و خلاء این گزارش در برنامه ریزی فعلی کشور

اگر بخواهیم برای توانمندسازی ساختارها در دولت اسلامی حرکت کنیم، یکی از نیازهایمان این است که باید یک گزارش‌های سالیانه‌ای داشته باشیم از چیرستی شاخص‌های هویت اسلامی که جایش امروزه در برنامه ریزی خالی است.

۲/۱/۱/۲/۵/۱- امکان انتشار اولین نسخه پکیج شاخص‌های هویت اسلامی تا سال آینده به همراه روش محاسباتی آن شاخص‌ها

آیا شما موفق شده‌اید پکیج شاخص‌های پیشرفت اسلامی را تبیین کنید؟ شاید تا سال آینده موفق بشویم اولین نسخه‌اش را منتشر کنیم و روش محاسباتی آن هم کنارش باشد.

۲/۱/۱/۲/۶- توانمندسازی ساختارهای کشور نیازمند یک پکیج از شاخص‌های هویت اسلامی به علاوه روش محاسباتی آن شاخص‌ها

یعنی برای برنامه ریزی فقط شاخص کفایت نمی‌کند. مثلاً شاخص هویت اسلامی خانواده است و خودش یک پکیج و بسته شاخص است اما باید روش محاسبه‌اش را هم درونش ارائه داد. پس حتماً یکی از نیازهایی که برای توانمندسازی ساختارها دارید همین انتشار شاخص‌های هویت اسلامی است.

۲/۱/۱/۲/۶/۱- ناچار بودن در گزینش شاخص‌های کم‌ضررتر توسعه، نتیجه عدم استخراج شاخص‌های هویت اسلامی همراه با روش محاسباتی آن‌ها

مادامی که این شاخص‌های هویت اسلامی و روش محاسبه‌اش را منتشر نکنید مجبور می‌شوید آن روش‌هایی را از اقتصاد غرب و ادبیات توسعه‌گرینش کنید که نسبت به شاخص‌های شما کم‌ضررتر باشند،

۲/۱/۱/۲/۶/۱/۱- استفاده از یارانه مستقیم به جای یارانه غیر مستقیم علیرغم غربی بودن هر دو مورد، گویای ناچاری استفاده از شاخص‌های کم‌ضررتر توسعه در زمان فقدان شاخص‌های اسلامی

مثلاً فرض کنید در مسئله عدالت، یک درک اجمالی از آن داریم؛ قبلاً از سیستم یارانه غیر مستقیم استفاده می‌کردیم و می‌گفتیم این به عدالت نزدیک‌تر است، حال می‌گوییم یارانه مستقیم بهتر است. اصلاً پایه بحث یارانه‌های غیر مستقیم غربی بوده و مبنای علمی آن را ما تولید نکردیم؛ الان هم که یارانه مستقیم می‌دهیم باز هم غربی است. ولی به هر حال جمع‌بندی مسئولین و کارشناسان کشور این بود که این روش به عدالت نزدیک‌تر است.

۲/۱/۱/۲/۶/۱/۲- حرکت بی‌وقفه اما کند کشور به سمت شاخص‌های هویت اسلامی و استفاده از شاخص‌های کم‌ضررتر توسعه به دلیل همین کندی حرکت

البته الان حرکت کشور به سمت شاخص‌های هویت اسلامی قفل نیست ولی خیلی کند است، شما مجبورید از یک سری روابطی که در مفاهیمی غربی تعریف شده است، کم‌ضررتر آن را گزینش کنید.

۲/۱/۱/۲/۶/۱/۳- استفاده از شاخص‌های کم‌ضررتر توسعه منشأ اختلاف

اینجا منشأ اختلاف می‌شود یک عده‌ای موافق‌اند و عده‌ای مخالف.

۲/۱/۱/۲/۶/۲- حرکت به سمت شاخص های هویت اسلامی و روش محاسبه آن ها، راه اصلی برای ترک استفاده از شاخص های توسعه

راه اصلی این است که بروید به سمت منتشر کردن شاخص های هویت اسلامی و روش محاسبه اش را ارائه دهید.

۲/۱/۱/۳- تبیین تفصیلی در باره مفهوم پیشرفت به جای مفهوم توسعه، سعی نقشه راه برای توانمندسازی ساختارها

در همین زمینه سعی کردیم برای گام توانمندسازی ساختارها، تبیین تفصیلی درباره مفهوم پیشرفت بجای مفهوم توسعه را ارائه بدهیم.

۲/۱/۱/۳/۱- ۲۷ مأموریت پیشنهاد شده در نقشه راه، گامی در توانمندسازی ساختارها

لذا اگر درباره نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی مطالعه دقیقی صورت بگیرد ۲۷ مأموریت پیشنهاد شده که عمل به آنها یک قدم ساختارها را توانمندتر می کند .

۲/۳- امکان پیشنهاد دادن سیاست های کلان در دو برنامه باقیمانده چشم انداز بیست ساله بر اساس نقشه راه

نسبت این نقشه راه با چشم انداز بیست ساله چیست؟

چشم اندازی که شما می فرمایید یک افق حرکت است، اگر بخواهیم بر اساس برنامه هایی که برای پیشرفت اسلامی و برای توسعه کشور مرسوم هست، برنامه بنویسیم؛ می توانیم در دو برنامه باقیمانده چشم انداز بر اساس الگوی خودمان سیاست های کلان پیشنهاد بدهیم. در حقیقت می توانیم تخصیص ها را در ۵ سال آینده عوض کنیم.

۲/۳/۱- "باهویت اسلامی و الهام بخش در جهان اسلام" و "ایران کشور توسعه یافته است" دو مفهوم در سند چشم انداز برای اساس قرار گرفتن برنامه ریزی های کشور اما توجه بعضی نهادها فقط به بخش دوم

سند چشم انداز دو عبارت در آن است؛ یکی عبارت " با هویت اسلامی الهام و بخش در جهان اسلام"، این بخش هیچ وقت مورد برنامه ریزی قرار نگرفت یعنی در اسنادی که بعضی از نهادها تولید کردند همان بخش اولش که عبارت " ایران کشور توسعه یافته است" مورد توجه واقع شده است.

۲/۳/۱/۱- برگزاری همایشی در مجمع تشخیص تحت عنوان سیاست خارجی توسعه گرا کاملاً مخالف مفهوم "با هویت

اسلامی و الهام بخش در جهان اسلام" سند چشم انداز با وجود پیشنهاد همین سند از سوی مجمع تشخیص

این سند پیشنهادی مجمع تشخیص بوده و ما با مطالعاتی که در اسناد مجمع تشخیص داریم همایش مهمی در مجمع تشخیص برگزار شد تحت عنوان "سیاست خارجی توسعه گرا" و حتی در آن همایش پیشنهاد دادند که ما به محوریت ایجاد توسعه روابط خارجی مان را تعریف می کنیم. آن قسمت سند چشم انداز کاملاً مخالف این پیشنهاد بود.

۲/۳/۱/۲- "ایران کشوری است با هویت اسلامی و الهام بخش در جهان اسلام" اصلاحیه حضرت آیت الله خامنه ای بر سند چشم انداز

معلوم است که حضرت آیت الله خامنه ای سند پیشنهادی مجمع تشخیص را اصلاح کردند و " ایران کشوری است با هویت اسلامی و الهام بخش در جهان اسلام" را اضافه نمودند

۲/۳/۱/۲/۱- عبارت "هویت اسلامی و الهام بخش در جهان اسلام" مؤثر در تغییر معنای توسعه

عبارت "هویت اسلامی و الهام بخش در جهان اسلام" با تعریف سیاست توسعه گرا هم خوان نیست... بله در واقع معنای "توسعه" را تغییر می دهد.

۲/۳/۲- توانایی نقشه راه در پیشنهاد دادن برای دو برنامه باقیمانده در سند چشم انداز

حال برای تحقق چنین سندی به این معنا که عرض کردیم می توانیم دو برنامه بعدی را در جهت برنامه های کلان پیشنهاد بدهیم،

۲/۴/۲/۱- ضرورت تناسب برنامه های توسعه در کشور با توانمندسازی ساختارها در مرحله دولت اسلامی و اهمیت این مسأله مقدم بر حضور فضای برنامه ریزی کشور

ولی مسئله اصلی آن نیست که ما در فضای برنامه ریزی کشور حضور پیدا کنیم یا نکنیم بلکه بعد اجتماعی موضوع مهم است یعنی کسانی که برنامه های توسعه را الان در کشور می نویسند باید پاسخ بدهند که نسبتش با مرحله فعلی تکامل انقلاب که توانمندسازی ساختارهاست چیست؟ یعنی چقدر در این دوره ها ساختارهای ما توانمند شده اند.

۲/۴/۱- صورت گرفتن حرکت هایی در کشور در جهت خروج از وضعیت برنامه ریزی مدرن مانند منحل شدن سازمان مدیریت و برنامه ریزی در دولت نهم و توقف این حرکت ها به علت نبود جایگزین و همچنین خطر بازگشت به ساختارهای قبلی

فرض بفرمایید در دولت آقای احمدی نژاد سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور منحل شد و برخوردی در نحوه برنامه ریزی کشور صورت گرفت ولی باید بررسی شود چه چیزی جایگزین شد؟! مثلاً می شد با یک مطالعه علمی راجع به سفرهای استانی یک نحوه برنامه ریزی غیر متمرکز را تولید کنیم و به آن شایسته بدهیم ولی نشد. حرکتیایی صورت گرفت به سمت اینکه دولت از ساختارهای در وضعیت برنامه ریزی مدرن خارج شود ولی چون جایگزینش نیامد و طراحی نشد حرکت متوقف شد و حتی خطر معکوس بودنش وجود داشت که دوباره به همان ساختارهای قبلی برگردیم

۲/۴/۲- صورت گرفتن حرکت هایی در راستای تحول در آموزش و پرورش کشور و ضرورت ارزیابی این تحولات در تقویت شاخص های هویت اسلامی

یا مثلاً حرکت هایی در راستای تحول در آموزش و پرورش صورت گرفت اما باید ارزیابی کنیم که تحول فعلی تربیت بر اساس شاخص های الگوی پیشرفت اسلامی تقویت میکند یا تقویت نمی کند .

۲/۴/۳- ضرورت کارنامه خوانی کاندیداهای مسئولیت های انقلاب بر اساس سرفصل های برنامه هایشان در جهت توانمند سازی ساختارهای کشور برای تحقق مبنا

حتی به نظر ما کارنامه خوانی هایی که نیروهای انقلاب از کاندیداهای بعدی ریاست جمهوری انجام می دهند باید در این راستا باشد، یعنی نامزدها جواب این مسئله را بدهند که چه برنامه ای برای توانمندشدن ساختارهای جمهوری اسلامی دارند؟ در واقع بخشی از سرفصل های برنامه های کاندیداهای ریاست جمهوری باید به این اختصاص پیدا کند که تغییرات ساختاری متناسب با مبنای جمهوری اسلامی را ایجاد کند. اینها همه قابل مطالبه است.

۲/۴/۳/۱- عدم کفایت پذیرش حکم حکومتی ولی فقیه به عنوان معیار صلاحیت یک کاندیدا و درک از چگونگی توانمندسازی ساختارها، مهمترین معیار

مثلا وقتی می خواهند بگویند یک کاندیدا اصلح است به اینکه آن کاندیدا حکم حکومتی ولی فقیه را قبول داشته باشد کفایت نکنند و این اصلا معیار خوبی نیست و چیزی پایین تر از حداقل اصلحیت است؛ حتما باید حکم حکومتی را قبول داشته باشند ولی باید افراد درک خودشان را از چگونگی ایجاد دولت اسلامی ارائه بدهند.

۲/۴/۳/۲- کارنامه خوانی براساس میزان توانایی کاندیداها در توانمندسازی ساختارها، یکی از مأموریت های نقشه راه

خیلی نکته جالبی است، یعنی اگر سطح توقع خودمان از مسئولین ارشد را اینجا قرار دهیم، ما خیلی از مشکلات بعدی را نداریم چه در مسائل سیاسی چه در مسائل مدیریتی. به هر حال قبول دارم اگر ما این مبنا را قبول نکنیم خیلی از مسائل حل میشود...

بله حالا یکی از خانه های نقشه راه ما همین بحث در انتخابات است، یعنی به نظر ما نیروهای انقلاب باید تیم هایی را که می خواهند در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کنند بر اساس توانایی آنها در توانمندسازی ساختارهای در دولت اسلامی بر مبنای جمهوری اسلامی ارزیابی کنند. بنده احساس می کنم به صورت اجمالی نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی را توضیح دادم و این مسأله که چرا ما نمی توانیم از ادبیات توسعه استفاده کنیم تبیین شد.

۲/۵- شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی، یک شورای مردمی و مشغول به سه فعالیت در حال حاضر

جناب آقای کشوری یک اجمالی هم از فعالیت های خود در شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی بفرمایید: ما یک شورای مردمی داریم موسوم به شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی که این شورا الان مشغول سه کار هست؛

۲/۵/۱- تبیین مسأله الگوی پیشرفت اسلامی بر اساس تبیین جهت حرکت جمهوری اسلامی، اولین فعالیت شورای راهبردی

یکی تبیین همین مسئله الگوی پیشرفت اسلامی که اینجا خلاصه اش را گزارش دادم که در واقع صحبت از الگوی پیشرفت اسلامی بدون صحبت از جهت جمهوری اسلامی صحبت ناقصی است.

۲/۵/۱/۱- برگزاری همایش هایی در کشور توسط افراد نامسلط به جهت انقلاب و صحبت ایشان از توسعه

متأسفانه با عرض تأسف این را بگویم برخی همایش هایی که برگزار می شود اگر بیانات عزیزان شرکت کننده در آن همایش ها را ملاحظه بفرمایید کاملا مشهود است اصلا مسئله مراحل جمهوری اسلامی را مسلط نیستند و در مورد توسعه صحبت می کنند، و حتی مسیر را از اول انقلاب اشتباه ترسیم می کنند.

۲/۵/۱/۱/۱- سی سال حرکت انقلاب اسلامی در راستای پیشرفت اسلامی نه توسعه غربی

واقعا اگر ما به دنبال توسعه باشیم این سی سال را اشتباهی آمادیم یعنی ۳۰ سال حرکت انقلاب قطعا در راستای ایجاد توسعه نبوده و در راستای پیشرفت اسلامی بوده است؛

۲/۵/۱/۱/۲- بحث از چگونگی ایجاد توسعه در ایران در همایش هایی با موضوع تولید الگوی پیشرفت اسلامی به علت عدم تسلط برگزار کنندگان به جهت جمهوری اسلامی

حالا می بینید همایش برگزار می شود و سخنران همایش یا مقاله ای که نوشته شده مع الاسف چگونگی ایجاد توسعه در ایران را بحث میکند و در همایشی که مربوط به الگوی پیشرفت اسلامی است اصلا جهت جمهوری اسلامی برایش جا نیفتاده است.

۲/۵/۱/۱/۲/۱- تبیین مسأله الگوی پیشرفت اسلامی در نشست ها و گفتگوهای شورای راهبردی

در شورای راهبردی همین مسئله را تبیین می کنیم یعنی ما در نشست و کارگاهها و همایش ها و گفتگوهایی که جاهای مختلف داریم سعی بر اینست که مسئله الگوی پیشرفت مسئله اش تبیین شود که فرمود اگر سوال خوب بپرسد نصف جواب را رفته اید..

۲/۵/۲- ارتباط با نهادهای نظام به محوریت مأموریت های ۲۷ گانه نقشه راه، فعالیت دوم شورای راهبردی

یک کار دومی داریم که به محوریت مأموریت های ۲۷ گانه جدول با نهادهای نظام در حال ارتباط هستیم؛

۲/۵/۲/۱- عملی شدن پیشنهاد نقشه راه به مجلس فعلی، عامل مناسب تر شدن روش تقنین با مبنای جمهوری اسلامی

مثلا پیشنهادی داریم برای توانمندسازی ساختار فعلی مجلس، پیشنهادی که اگر عمل بشود روش تقنین در مجلس با مبنای جمهوری اسلامی متناسب تر می شود.

۲/۵/۲/۱/۱- ضرورت بررسی مصوبات مجلس بر اساس تناسب این مصوبات با تحقق شاخص های هویت اسلامی علیرغم عدم تصویب قانون خلاف مبنای جمهوری اسلامی در مجلس فعلی

الان در روش تقنین فعلی قطعاً قانونی که مخالف مبنای جمهوری اسلامی باشد تصویب نمی شود ولی سوال این است آیا قوانینی که تصویب می شود در راستای تحقق شاخص های هویت اسلامی هم هست یا نه؟ این محل اشکال است؛

۲/۵/۲/۱/۲- پیشنهاد نقشه راه برای ارتقاء سطح تقنین در مجلس

پیشنهاداتی دادیم که ساختار مجلس ارتقا پیدا کند یعنی بجای اینکه کف اسلامیت را مبنای تقنین قرار دهد با یک تغییرات ساختاری پیشنهادی که اگر مبنای عمل قرار بگیرد مجلس می تواند تقنین را در سطح بالاتری از اسلامیت مبنای برنامه ریزی خود قرار دهد؛

۲/۵/۲/۲- توانمندسازی بخشی به محوریت مأموریت های ۲۷ گانه جدول، فعالیت شورای راهبردی

پس کار دوم ما میشود توانمندسازی بخشی به محوریت مأموریت های ۲۷ گانه جدول.

۲/۵/۳- پیشنهاد سیاست های کلان به برنامه ششم توسعه برای تقلیل اثر پذیری این برنامه از توسعه غربی، فعالیت سوم شورای راهبردی

یک کار سومی هم داریم که بر اساس نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی در برنامه ششم اداری کشور - که ان شاء الله امیدواریم برنامه ششم دیگر خیلی کمتر متاثر باشد از ادبیات توسعه و بیشتر متاثر باشد از پیشرفت اسلامی باشد - سیاستهای کلانی پیشنهاد می کنیم؛

۲/۵/۴- نوشتن یک بسته سیاستی برای پیشنهاد به برنامه ششم توسعه، ارتباط بخشی با نهادها و معرفی نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی، سه فعالیت فعلی شورای راهبردی

این سه کار را ما مشغول هستیم: یعنی نوشتن یک بسته سیاستی که قاعدتا باید برای تبیین مسئله یعنی برای برنامه بعدی به دفتر رهبر انقلاب پیشنهاد بدهیم، کار دوم ما ارتباط بخشی با نهادها و کار فعلی مان که بیشتر مشغول آن هستیم همین معرفی نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی است.

۲/۵/۱/۱/۳- ضرورت توجه نشریات به خروجی همایش های در حال برگزاری در کشور

یک نکته ای که شاید بحث را تکمیل کند و خیلی مهم است پرداختن نشریاتی مثل شما و توجه کردن به خروجی همایش هایی است که الان دارد در کشور برگزار می شود؛

۲/۵/۱/۱/۳/۱- اشتغال بریده یا دائمی حدود پنج جریان به مسأله الگوی پیشرفت اسلامی

بدون اینکه من اسم ببرم تقریبا پنج جریان به صورت بریده یا دائمی مشغول مسئله الگوی پیشرفت اسلامی هستند.

۲/۵/۱/۱/۳/۲- ضرورت توجه به تبیین مسأله الگوی پیشرفت اسلامی در همایش های کشور

اگر کسی که گفتگو را می خواند یا خود شما بعنوان برنامه ریزان این نشریه، توجه کنند که مسئله الگوی پیشرفت در این همایش ها تبیین می شود فارغ از اینکه چگونه تحقق پیدا کند.

۲/۵/۱/۱/۳/۲/۱- جلوگیری از یک دوباره کاری مایوس کننده در کشور نسبت به مسأله الگوی پیشرفت اسلامی،

نتیجه توجه به همایش های با این موضوع

به نظرم اگر این توجه اتفاق بیفتد ممکن است ما در کشور از یک دوباره کاری خیلی مایوس کننده و کسل کننده جلوگیری کنیم.

۲/۵/۱/۱/۳/۲/۲- ارائه الگوهای توسعه غربی به جای الگوی پیشرفت اسلامی توسط برخی از مراکز علمی کشور

آقایی آمد در صدا و سیما گزارش داد که ما الگوی پیشرفت اسلامی را تولید کردیم، جالب بود که ایشان گفت ما تولید کردیم!! سایر مراکز می گویند که ما در حال تولید هستیم، این آقا گفت ما تولید کردیم، بعد که بحث شد موشکافی شد دیدیم منظورشان یک الگویی مثل مالزی و ترکیه و از این دست است!!

۲/۵/۱/۱/۳/۲/۲/۱- عدم حساسیت برخی از نیروهای حزب الهی به مسأله توسعه نیازمند توجهی عمیق تر به بیانات

امام خامنه ای برای درک بیشتر مسأله

مع الاسف یک بخشی از بچه های حزب اللهی هم همین طور هستند یعنی آنها هم خیلی حساسیتی روی مسئله توسعه ندارند و معایبش را نمی دانند لذا من به عنوان حرف آخر عرض می کنم که یک دور، بچه های حزب الله در مجموعه گفتار آیت الله خامنه ای در مسئله پیشرفت اسلامی مطالعه بکنند که به درک این مسئله کمک می کند.

فهرست تفصیلی

۱- تبیین جهت حرکت انقلاب اسلامی، رویکرد نقشه راه در بحث چیستی و چرایی تولید الگوی پیشرفت اسلامی ۹

- ۱/۱- نقد الگوهای توسعه غربی و بازخوانی دوره اصلاحات و سازندگی، از جمله رویکردهای موجود در تبیین مسأله الگوی پیشرفت اسلامی و به عبارتی از جمله دلایل نیاز به طرح مسأله الگوی پیشرفت ۹
- ۱/۲- توجه به خود مسأله الگوی پیشرفت اسلامی به علت وجود نقد توسعه در آن، یک زاویه دید بهتر در نقد ۹
- ۱/۲/۱- تبیین مسأله الگوی پیشرفت اسلامی بر اساس توجه به جهت جمهوری اسلامی ۹
- ۱/۲/۲- ممنوعیت استفاده و به کارگیری الگوهای توسعه غربی، نتیجه تبیین جهت جمهوری اسلامی ۹
- ۱/۱/۱- بازخوانی تجربه دویست سال گذشته کشور، مؤثر در فهم آثار الگوهای غربی ۹
- ۱/۱/۱/۱- بازخوانی کارنامه دویست سال گذشته کشور از جهت عملکرد تزه‌های روشنفکری غربی، عامل کشف نقاط ضعف این کارنامه و این نقاط ضعف عامل طرح مسأله الگوی پیشرفت اسلامی در ادبیات انقلاب ۱۰
- ۱/۲/۲/۱- نیاز به یک بررسی کتابخانه‌ای و بلند مدت در بررسی تئوریک و نظری الگوهای توسعه ۱۰
- ۱/۱/۲- بحث‌های نظری و کتابخانه‌ای و همچنین بازخوانی تحولات دویست سال اخیر کشور، دو رویکرد در نقد توسعه غربی ۱۰
- ۱/۱/۲/۱- بحث‌های نظری و کتابخانه‌ای در نقد توسعه غربی، نیازمند دوره‌ای بلند مدت مثلاً سه ترم دانشگاهی ۱۰
- ۱/۱/۲/۱/۱- وجود اختلاف قرائت‌های مختلف در نقد توسعه غربی ۱۰
- ۱/۱/۲/۱/۲- عدم نیاز به بحث‌های نظری در نقد توسعه برای تبیین مسأله الگوی پیشرفت ۱۰
- ۱/۱/۲/۲- بازخوانی تحولات دویست سال اخیر کشور، رویکرد دیگری در نقد توسعه ۱۱
- ۱/۱/۲/۲/۱- برنامه ریزی مدرن و مبتنی بر توسعه غربی در کشور از قبل انقلاب و در حال حاضر و بازخوانی و سنجیدن آن‌ها با آرمان‌های انقلاب، رویکردی در نقد توسعه ۱۱
- ۱/۳- بازخوانی خواسته و هدف انقلاب اسلامی، بحث مهم‌تر و مقدم بر نقد توسعه غربی اما با خروجی بحث مشترک ۱۱
- ۱/۳/۱- تبیین جهت انقلاب یا به عبارتی بازخوانی خواسته و هدف انقلاب، بستر ساز قضاوت بر امکان یا عدم امکان تحقق اهداف انقلاب با الگوهای غربی ۱۱

- ۱۱ ۱/۳/۱/۱- تبیین جهت انقلاب، اولین مفهوم مطرح شده در نقشه راه
- ۱۱ ۱/۴- تبیین جهت انقلاب بر اساس تبیین سه مفهوم مبنای حرکت، مراحل حرکت و موضوع انتقال
- ۱۱ ۱/۴/۱- تبیین مبنای حرکت، ورودی تبیین جهت
- ۱۱ ۱/۴/۱/۱- تعریف مبنای حرکت به یک "ایده محوری" عامل در به وجود آمدن حرکت و انگیزه ای از دل همان ایده و برای تحقق آن
- ۱۲ ۱/۴/۱/۱- مبنای حرکت عبارت است از "ایده محوری" که حرکت و انگیزه از او و به خاطر تحقق او بوجود آمده است.
- ۱۲ ۱/۴/۱/۲- مبنای حرکت، تغییر ناپذیر در تمامی شرایط زمانی و مکانی با وجود امکان تغییر در سرعت رسیدن به آن مبنای
- ۱۲ ۱/۴/۱/۲/۱- تغییر مبنای یک حرکت به معنای از بین رفتن و انحراف آن حرکت
- ۱۲ ۱/۴/۱/۳- تبیین جهت نظام جمهوری اسلامی، نیازمند تبیین مبنای حرکت
- ۱۲ ۱/۴/۱/۴- تحقق شاخص های هویت اسلامی به عنوان مبنای حرکت جمهوری اسلامی
- ۱۲ ۱/۴/۱/۴/۱- نبود شاخص های اسلامی، یکی از خلاء های تحقق مبنای
- ۱۳ ۱/۴/۱/۴/۲- عدم نیاز به تفصیل نام بردن شاخص های هویت اسلامی در تبیین جهت انقلاب
- ۱۳ ۱/۴/۱/۵- متأثر بودن حرکت های اجتماعی کشور از دو مبنای دیگر در کنار مبنای انقلاب اسلامی
- ۱۳ ۱/۴/۱/۵/۱- جریان روشنفکری با مبنای ایجاد فرآیند مدرنیزاسیون، جریانی مؤثر در کشور
- ۱۳ ۱/۴/۱/۵/۱/۱- سعی جریان روشنفکری در هماهنگ کردن پتانسیل های اجتماعی برای رسیدن به مبنایی غیر از مبنای انقلاب
- ۱۳ ۱/۴/۱/۵/۲- جریان اسلام سنتی با مبنای استنباط و تبلیغ شاخص های هویت اسلامی، جریان مؤثر دیگری در کشور
- ۱۳ ۱/۴/۱/۵/۲/۱- تحقق شاخص های هویت اسلامی، هدف جریان اسلام سنتی اما بدون برنامه ریزی برای تحقق
- ۱۳ ۱/۴/۱/۵/۲/۲- محدودیت در استنباط و تبلیغ در جریان اسلام سنتی، نه به معنای سکولاریزم
- ۱۴ ۱/۴/۱/۵/۳- حرکت و برنامه ریزی برای تحقق شاخص های هویت اسلامی، مبنای انقلاب اسلامی
- ۱۴ ۱/۴/۱/۵/۳/۱- فقدان ظرفیتی فراتر از استنباط و تبلیغ شاخص های اسلامی در دو یا سه قرن اخیر
- ۱۴ ۱/۴/۱/۵/۳/۱/۱- نامناسب بودن استفاده از مبنای متناسب با ظرفیت گذشته در شرایطی فراتر از ظرفیت گذشته

- ۱/۴/۱/۵/۲/۳/۲ - استنباط و تبلیغ شاخص های هویت اسلامی، ظرفیت اجتماعی دویا سه قرن اخیر و انجام این رسالت توسط علمای آن دوران ۱۴
- ۱/۴/۱/۵/۳/۱ - جریان انقلاب اسلامی با قدمت دویست ساله، جریان مقابله کننده با ورود موج های مدرنیته به کشور اسلامی ایران ۱۴
- ۱/۴/۱/۵/۳/۱/۱ - حضور ده ها هزار عالم از جمله شیخ فضل اله نوری، مرزای شیرازی و مرحوم مدرس در جریان انقلاب اسلامی و اقدام به جمع آوری نام آن ها در یک دائره المعارف ۱۴
- ۱/۴/۱/۵/۳/۲ - تعریف جریان انقلاب اسلامی به جریان مقابله کننده با ورود موج های مدرنیته از دو قرن پیش و تصمیم بر تشکیل حکومت در انتهای این دو قرن ۱۴
- ۱/۴/۱/۵/۳/۳ - جریان انقلاب اسلامی، برخاسته از دل حوزه علمیه علیرغم وجود رگه هایی از اسلام سنتی در گذشته و حال حوزه های علمیه ۱۵
- ۱/۴/۱/۵/۳/۱ - جریان انقلاب اسلامی، جریان غالب در حوز های علمیه فعلی ۱۵
- ۱/۴/۱/۵/۳/۴ - ریشه های انقلاب اسلامی از دو قرن پیش ۱۵
- ۱/۴/۱/۵/۳/۱/۲ - شروع جریان انقلاب اسلامی از قبل میرزای شیرازی و فتوای ایشان نقطه عطف این جریان ۱۵
- ۱/۴/۱/۵/۴ - جریان اسلام سنتی با مبنای تبلیغ، جریان روشنفکری با مبنای برنامه ریزی برای تحقق ارزش های مدرن و جریان انقلاب اسلامی با مبنای تحقق شاخص های اسلام، سه جریان مؤثر در شرایط فعلی کشور ۱۵
- ۱/۴/۱/۵/۳/۵ - فهم دقیق و عمیق تر زمان و مکان توسط فقهای تئوری پرداز جریان انقلاب اسلامی در طول دو قرن، مزیت این جریان ۱۶
- ۱/۴/۱/۵/۳/۵/۱ - واکاوی حادثه مشروطه و بررسی اختلاف میان فقهای در قانون اساسی، گویای تفاوت فقهای جریان انقلاب اسلامی با دیگر فقها ۱۶
- ۱/۴/۱/۵/۳/۵/۲ - کارآمدتر بودن فقهای جریان انقلاب اسلامی برای حفظ اسلام ۱۶
- ۱/۴/۱/۵/۵ - دعوایی دویست ساله بین دو جریان انقلاب اسلامی و اسلام سنتی و غلبه جریان اول در حوزه های علمیه امروز کشور ۱۶
- ۱/۴/۱/۶ - تحقق شاخص های هویت اسلامی مبنای حرکت جمهوری اسلامی ۱۶
- ۱/۴/۲ - انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی، مراحل پنجگانه تحقق مبنای جمهوری اسلامی ۱۶

- ۱/۴/۲/۱- تعریف مرحله اول یعنی انقلاب سال ۵۷ به مرحله سلب اختیارات حکومتی از غیر معتقدین به مبنای انقلاب و واگذاری آن به معتقدین به مبنا ۱۷
- ۱/۴/۲/۲- تعریف مرحله نظام اسلامی به مرحله معرفی اجمالی حرکت کشور برای تحقق مبنای جمهوری اسلامی ۱۷
- ۱/۴/۲/۲/۱- تعیین نام جمهوری اسلامی در مرحله نظام اسلامی، به معنای تعریف اجمالی هویت کشور و مقابله با تعریف غیر واقعی از این هویت ۱۷
- ۱/۴/۲/۲/۲- مشخص شدن اهمیت تبیین هویت کشور در حادثه بیداری اسلامی ۱۷
- ۱/۴/۲/۲/۳- عدم مصادره هویت انقلاب با تعبیراتی چون جمهوری دموکراتیک، نتیجه تعریف بلافصل هویت کشور و به تعبیر امام راحل "جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد" ۱۷
- ۱/۴/۲/۲/۲/۱- تلاش بر معرفی غیر حقیقی حرکت مردم در انقلاب های منطقه و حاکم کردن این تعاریف بر قانون اساسی، از جمله معضلات بیداری اسلامی ۱۷
- ۱/۴/۲/۲/۴- معرفی اجمالی هویت کشور، معنای مرحله نظام اسلامی ۱۷
- ۱/۴/۲/۳- تعریف مرحله فعلی کشور یعنی دولت اسلامی به مرحله توانمندسازی ساختارها در جهت تحقق مبنا ۱۸
- ۱/۴/۲/۳/۱- عدم توانمندی ساختارهای فعلی کشور در برنامه ریزی برای تحقق مبنا، معضل پیشرو در مرحله دولت اسلامی ... ۱۸
- ۱/۴/۲/۳/۲/۱- عدم توانمندی مرکز آمار کشور برای محاسبه شاخص عدالت به عنوان یکی از شاخص های هویت اسلامی، تمثیلی از ضعف ساختارهای فعلی کشور در مسیر تحقق مبنا ۱۸
- ۱/۴/۲/۳/۲- ضعف ساختارهای کشور برای تحقق مبنا، معلول فقدان روش محاسبه شاخص ها و این فقدان معلول عدم تعریف شاخص ها و این ضعف در ساختار نه به معنای عدم پذیرش آن شاخص ها ۱۸
- ۱/۴/۲/۳/۲/۱- استفاده از معادله ضریب جینی برای محاسبه عدالت، گویای فقدان روش محاسبه شاخص های اسلامی ۱۸
- ۱/۴/۲/۳/۲/۱/۱- محاسبه با ضریب جینی به معنای معیار قرار دادن فاصله بین دهک های اقتصادی و پذیرش چندین دهک در جامعه و پذیرش این موضوع به معنای پذیرش فاصله طبقاتی و این به معنای استفاده از یک معادله ضد عدالت در مسیر تحقق عدالت ۱۸
- ۱/۴/۲/۳/۳- عدم امکان انتقال به مرحله چهارم انقلاب یعنی مرحله جامعه اسلامی در صورت توانمند نکردن ساختارهای کشور برای تحقق مبنا ۱۹
- ۱/۴/۲/۴- تعریف مرحله جامعه اسلامی به مرحله توانمند شدن ساختارهای کشور برای تحقق مبنای جمهوری اسلامی ۱۹
- ۱/۴/۲/۴/۱- میزان تحقق شاخص های هویت اسلامی متناسب با میزان توانایی ساختارها در تحقق ۱۹

- ۱۹/۴/۲/۵- تعریف مرحله تمدن اسلامی به مرحله جلب توجه دیگر ملت ها به درخشندگی تحقق مبنای جمهوری اسلامی ۱۹
- ۱۹/۴/۲/۶- وجود رابطه ای بین مبنای انقلاب با هر پنج مرحله از انقلاب ۱۹
- ۱۹/۴/۲/۳/۴- مرحله دولت اسلامی، مرحله توانمندسازی ساختارها و به فرمایش امام خامنه ای بیست سال حضور در این مرحله . ۱۹
- ۱۹/۴/۲/۳/۵- مرحله دولت اسلامی، مرحله توانمند سازی ساختارها برای تحقق مبنای جمهوری اسلامی و نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی، تصویر چگونگی این توانمند سازی ۲۰
- ۱۹/۴/۳- تبیین مبنای حرکت انقلاب، سطح اول و تبیین مراحل، سطح دوم مبحث تبیین جهت و همه این موارد برگرفته از بیانات امام خامنه ای ۲۰
- ۱۹/۴/۲/۷- تفسیر درست مراحل پنجگانه، معلول توجه به دخیل بودن مبنا در تفسیر مراحل ۲۰
- ۱۹/۴/۲/۳/۶- مرحله دولت اسلامی، موضوع اصلی کشور ۲۰
- ۱۹/۴/۴- وجود یک موضوع انتقال از هر مرحله به مرحله بعد ۲۰
- ۱۹/۴/۴/۱- وجود مراحل برای تحقق شاخص های هویت اسلامی یعنی عدم امکان تحقق زود هنگام و یک مرحله ای شاخص ها ۲۰
- ۱۹/۴/۴/۲- تحقق مبنا در پنج مرحله به معنای تحقق قسمتی از مبنا در هر مرحله ۲۰
- ۱۹/۴/۴/۳- ضرر در برنامه ریزی اجتماعی، نتیجه تشخیص اشتباه موضوع انتقال ۲۱
- ۱۹/۴/۴/۴- تمرکز بر یک موضوع بدون ظرفیت اجتماعی تحقق آن، به معنای عدم تحقق آن موضوع وفرصت سوزی در موضوع با ظرفیت تحقق ۲۱
- ۱۹/۴/۴/۵- وجود پنج مرحله برای تحقق مبنا، به معنای عدم امکان تحقق همه مبنا در یک مرحله و طرح موضوع انتقال نتیجه پذیرش این مسأله ۲۱
- ۱۹/۴/۴/۶- تعریف تمثیلی موضوع انتقال به مقدار مبنای قابل تحقق از مرحله انقلاب اسلامی تا مرحله نظام اسلامی ۲۱
- ۱۹/۴/۴/۶/۱- مقدار مبنای قابل تحقق، متناسب با توجیه و قدرت نیروی انسانی ۲۱
- ۱۹/۴/۴/۶/۱/۱- شباهت فرمایش امام خامنه ای در مورد تناسب بین مقدار ایمان مردم با مقدار شناخت ایشان از اسلام با تناسب بین ظرفیت جامعه و مقدار مبنای قابل تحقق ۲۱
- ۱۹/۴/۴/۶/۲- چگونگی برنامه ریزی برای تشکیل حکومت، اولویت اصلی نظام اسلامی و حرکت بی ثمر نتیجه تمرکز بر موضوع بدون اولویت ۲۲

- ۱/۴/۴/۶/۳ - طرح مسأله الگوی پیشرفت اسلامی در فاصله بین سال ۴۱ تا ۵۷ یعنی عدم وصول به این هدف به علت فقدان ظرفیت اجتماعی ۲۲
- ۱/۴/۴/۷ - موضوع انتقال به معنای محاسبه آن مقدار قابل تحقق از مبنا ۲۲
- ۱/۴/۴/۷/۱ - شناسایی اشتباه موضوع انتقال و تقاضای تحقق مبنای اضافه بر ظرفیت عامل از بین بردن فرصت برای آن مقدار قابل تحقق از مبنا در هر مرحله و همچنین ایجاد یک حالت شعارزدگی در مردم جامعه ۲۲
- ۱/۴/۴/۷/۲ - ایجاد تزلزل در مردم جامعه و ناامیدی برای حرکت جامعه به سمت هدف، نتیجه قهری شناسایی اشتباه موضوع انتقال ۲۲
- ۱/۴/۴/۸ - تشخیص موضوع انتقال، علت انتقال ۲۳
- ۱/۴/۴/۹ - انتقال به مرحله بعد، بسته به تشخیص صحیح موضوع انتقال و تشخیص غلط موضوع انتقال توسط برخی نیروهای انقلابی ۲۳
- ۱/۴/۴/۸/۱ - تعریف هویت کشور به جمهوری اسلامی و مقابله با تعاریف غیر واقعی مانند جمهوری دموکراتیک، محصول تمرکز امام راحل عظیم الشأن بر تبیین مسأله ولایت فقیه و حکومت اسلامی و به عبارتی تمرکز بر جمله "اسلام خودش حکوت دارد" ۲۳
- ۱/۴/۴/۸/۲ - اختیارات فقیه و مسأله حکومت اسلامی به عنوان بخشی از هویت اسلامی و عدم امکان تحقق مضاف بر این مبنا در دوران انقلاب اسلامی تا نظام اسلامی و تمرکز امام بر این بخش از مبنا عامل انتقال به مرحله بعد ۲۳
- ۱/۴/۴/۸/۲/۱ - تبیین مسأله ولایت فقیه توسط امام در اوایل دهه چهل برای اقشار مختلف مردم و به خصوص روحانیت، عامل همراهی جامعه در زمان مطرح شدن بحث جمهوری اسلامی ۲۳
- ۱/۴/۴/۸/۲/۲ - بی نتیجه ماندن تلاش روشنفکران برای ایجاد انحراف در مسیر انقلاب ۲۳
- ۱/۴/۴/۸/۲/۲/۱ - عدم موفقیت روشنفکران خبرگان قانون اساسی در محقق کردن کامل برخی از بندهای قانون اساسی به نفع خودشان ۲۴
- ۱/۴/۴/۸/۲/۲/۲ - عدم انعکاس تمامی اختیارات ولی فقیه در قانون اساسی، معلول فشارهای روشنفکران در تدوین این قانون .. ۲۴
- ۱/۴/۴/۸/۲/۲/۲/۱ - امکان ایجاد ضرورتی در آینده برای جبران نقائص قانون اساسی مثلاً گنجاندن تمامی اختیارات فقیه در این قانون ۲۴
- البته امام (ره) فرمودند بخشی از اختیارات ولی فقیه در قانون اساسی گنجانده شده و حال سوالی پیش می آید که آیا در ادامه سیر این مراحل نیازی نداریم برگردیم و آن اختیاراتی را که حضرت امام می گفتند اضافه کنیم؟ .. ۲۴
- ۱/۴/۴/۸/۳ - مسأله ولایت فقیه، موضوع انتقال از مرحله انقلاب اسلامی به مرحله نظام اسلامی ۲۴

- ۱/۴/۴/۸/۴ - تمرکز بر موضوع ولایت فقیه، عامل استقرار نظام و پذیرش احکامی از اسلام در قانون اساسی ۲۴
- ۱/۴/۴/۸/۴/۱ - ضرورت انتقال انقلاب به نظامی کارآمد و مستقل و با توانایی اداره زندگی مردم ۲۴
- ۱/۴/۴/۸/۵ - استقرار نظام، زمینه ورود به مرحله دولت اسلامی و در رأس امور قرار گرفتن موضوع جنگ، عامل این استقرار و همچنین عامل ایجاد ظرفیتی برای اداره حکومت توسط نیروهای حزب الهی ۲۴
- ۱/۴/۴/۸/۵/۱ - کلید "جنگ در رأس امور است" موضوع انتقال از مرحله نظام اسلامی به مرحله دولت اسلامی ۲۵
- ۱/۴/۴/۸/۵/۲ - همزمانی تبیین امام از مسأله جنگ و فرمایش ایشان مبنی بر نعمت بودن این جنگ با صدور انقلاب و پایه گذاری استقرار کشور ۲۵
- ۱/۴/۴/۸/۵/۳ - به پذیرش رساندن نظام در مرحله دوم، نه به معنای توانایی اداره کشور ۲۵
- ۱/۴/۴/۸/۵/۴ - استقرار نظام بعد از جنگ و به رسمیت شناخته شدن آن و ایجاد یک هویت عمومی در کارآمدی آن، نتیجه هشت سال جنگ تحمیلی ۲۵
- ۱/۴/۴/۸/۵/۴/۱ - عدم تجزیه کشور در جنگ تحمیلی بر خلاف جنگ های دو قرن اخیر کشور گویای به رسمیت شناخته شدن ظرفیت و هویت کشور ۲۵
- ۱/۴/۴/۸/۵/۵ - پایه ریزی ظرفیت تکنولوژی کشور در مرحله استقرار نظام به معنی بعد از جنگ تحمیلی ۲۵
- ۱/۴/۴/۸/۶ - رحلت امام خمینی و آغاز امامت اجتماعی امام خامنه ای مصادف با ورود به مرحله دولت اسلامی و ورود به این مرحله به معنای امکان توجه به ساختارهای کشور طبق فرمایش امام خامنه ای ۲۵
- ۱/۴/۴/۸/۶/۱ - اشاره امام خامنه ای در ابتدای مرحله دولت اسلامی به مسائلی از قبیل عدالت، حکمت، مصلحت و ... به معنای بسیج کردن جامعه برای رفتن به سوی توانمندسازی ساختاری برای تحقق مبنا ۲۶
- ۱/۴/۴/۸/۶/۲ - موضوع دفاع مقدس علت انتقال از مرحله نظام اسلامی به مرحله دولت اسلامی و مسأله پیشرفت اسلامی علت انتقال از مرحله دولت اسلامی به جامعه اسلامی ۲۶
- ۱/۴/۴/۸/۶/۲/۱ - اهمیت تمرکز بر موضوع "تولید الگوی پیشرفت اسلامی" برای انتقال از مرحله دولت اسلامی به مرحله جامعه اسلامی همانند اهمیت تمرکز بر موضوع دفاع مقدس برای انتقال از مرحله نظام اسلامی به مرحله دولت اسلامی ۲۶
- ۱/۴/۴/۸/۶/۲/۲ - اهمیت مسأله تولید الگوی پیشرفت اسلامی به عنوان موضوع انتقال از مرحله دولت اسلامی به مرحله جامعه اسلامی عدل اهمیت دو موضوع ولایت فقیه و دفاع مقدس ۲۶
- ۱/۴/۴/۸/۷ - مسأله تولید الگوی پیشرفت اسلامی، موضوع انتقال از مرحله دولت اسلامی به مرحله جامعه اسلامی ۲۶
- ۱/۴/۴/۸/۸ - توانایی در ارائه الگو به معنای توانایی در تبیین جهت حرکت جمهوری اسلامی ۲۶

۱/۸/۴/۱-۱/۴/۸/۸/۱ - عدم تبیین صحیح جهت جمهوری اسلامی و در حقیقت عدم فهم مراحل، آسیب شرایط فعلی کشور ۲۶

۱/۸/۴/۸/۷/۱ - در رأس امور قرار گرفتن تبیین مسأله الگوی پیشرفت، عامل انتقال از مرحله دولت اسلامی به جامعه اسلامی .. ۲۷

۲- تعریف نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی به نقشه تبیین چگونگی توانمند سازی ساختارها و به عبارتی

چگونگی تولید الگوی پیشرفت اسلامی ۲۷

۲/۱ - بحث از توانمندسازی ساختارها به معنای بحث از الگوی جدید اداره جامعه و این به معنای بحث از الگوی پیشرفت

اسلامی ۲۷

۲/۲ - تبیین توانمندسازی ساختارهای جمهوری اسلامی برای تحقق مبنا در سه مرحله و به عبارتی مرحله دولت اسلامی

مشمول بر سه مرحله ۲۷

۲/۲/۱ - مرحله اول توانمندسازی در دو دهه گذشته با آغاز امامت اجتماعی امام خامنه ای ۲۷

۲/۲/۲ - مرحله دوم توانمندسازی ساختارها از هفت یا هشت سال پیش، مصادف با آغاز دهه عدالت و پیشرفت و مصادف با

فرمایش امام خامنه ای در مورد تغایر مفهومی دو اصطلاح توسعه و پیشرفت ۲۷

۲/۲/۳ - تبیین مرحله سوم توانمند سازی ساختارها یا همان مرحله تکامل در نقشه راه ۲۸

۲/۲/۱/۱ - مرحله اول دولت اسلامی همان قانون اساسی مصوب ۵۷ با تغییرات ۶۸ به دلیل تئوریزه شدن نحوه ای از اسلامیت

در این قانون ۲۸

۲/۲/۱/۱/۱ - طبق محورهای پیشنهادی نقشه راه، قانون اساسی آینده با عنوان قانون اساسی الگوی پیشرفت اسلامی متأثر از

الگوی پیشرفت ۲۸

۲/۲/۱/۱/۲ - قانون اساسی انقلاب فرهنگی، پیشنهاد نقشه راه برای قانون اساسی تکامل دولت اسلامی ۲۸

۲/۲/۱/۱/۲/۱ - قانون اساسی انقلاب فرهنگی به معنای تئوریزه کردن روابط ساختاری متناسب با تحول در حوزه و دانشگاه و

استخراج یک اصول حقوقی از آن ۲۸

۲/۱/۱ - عدم امکان رسیدن به پیشرفت اسلامی و احراز هویت اسلامی با به کارگیری توسعه غربی در مرحله دولت اسلامی ۲۸

۲/۱/۱/۱ - عدم امکان تحقق شاخص های اسلام با مؤلفه های توسعه غربی از جمله جامعه شناسی، مدیریت و اقتصاد ۲۸

۲/۱/۱/۲ - هزار شاخص در شش بخش در گزارش بانک جهانی توسعه و برنامه ریزی این هزار شاخص در تحقق مبنای توسعه

غربی ۲۹

- ۲۹ ۲/۱/۱/۲/۱- عدم وجود شاخص های هویت اسلامی از جمله خانواده و عدالت در بین هزار شاخص بانک جهانی توسعه
- ۲۹ ۲/۱/۱/۲/۲- موارد فراوان تعارض شاخص های توسعه با پیشرفت اسلامی
- ۲۹ ۲/۱/۱/۲/۳- عدم امکان گزینش شاخصی از شاخص های توسعه و این، لازمه ایجاد یک پکیج شاخص جدید
- ۲۹ ۲/۱/۱/۲/۳/۱- امکان گزینش از شاخص های توسعه در وقت اضطرار
- ۲۹ ۲/۱/۱/۲/۴- اشاره به شاخص فراوانی موبایل یا استفاده خانگی از اینترنت در بحث شاخص های فرهنگ، گویای عدم امکان رسیدن به پیشرفت اسلامی با این شاخص ها
- ۲۹ ۲/۱/۱/۲/۴/۱- توانمندی ساختارهای کشور برای برنامه ریزی طبق شاخص های توسعه به دلیل وجود شاخص و روش محاسباتی آن شاخص
- ۲۹ ۲/۱/۱/۲/۵- نیاز به یک گزارش سالیانه از چیرستی شاخص های هویت اسلامی برای توأمندسازی ساختارهای کشور و خلاء این گزارش در برنامه ریزی فعلی کشور
- ۳۰ ۲/۱/۱/۲/۵/۱- امکان انتشار اولین نسخه پکیج شاخص های هویت اسلامی تا سال آینده به همراه روش محاسباتی آن شاخص ها
- ۳۰ ۲/۱/۱/۲/۶- توانمندسازی ساختارهای کشور نیازمند یک پکیج از شاخص های هویت اسلامی به علاوه روش محاسباتی آن شاخص ها
- ۳۰ ۲/۱/۱/۲/۶/۱- ناچار بودن در گزینش شاخص های کم ضررتر توسعه، نتیجه عدم استخراج شاخص های هویت اسلامی همراه با روش محاسباتی آن ها
- ۳۰ ۲/۱/۱/۲/۶/۱/۱- استفاده از یارانه مستقیم به جای یارانه غیر مستقیم علیرغم غربی بودن هر دو مورد، گویای ناچاری استفاده از شاخص های کم ضررتر توسعه در زمان فقدان شاخص های اسلامی
- ۳۰ ۲/۱/۱/۲/۶/۱/۲- حرکت بی وقفه اما کند کشور به سمت شاخص های هویت اسلامی و استفاده از شاخص های کم ضررتر توسعه به دلیل همین کندی حرکت
- ۳۰ ۲/۱/۱/۲/۶/۱/۳- استفاده از شاخص های کم ضررتر توسعه منشأ اختلاف
- ۳۱ ۲/۱/۱/۲/۶/۲- حرکت به سمت شاخص های هویت اسلامی و روش محاسبه آن ها، راه اصلی برای ترک استفاده از شاخص های توسعه
- ۳۱ ۲/۱/۱/۳- تبیین تفصیلی در باره مفهوم پیشرفت به جای مفهوم توسعه، سعی نقشه راه برای توأمندسازی ساختارها
- ۳۱ ۲/۱/۱/۳/۱- ۲۷ مأموریت پیشنهاد شده در نقشه راه، گامی در توأمندسازی ساختارها

- ۲/۳- امکان پیشنهاد دادن سیاست های کلان در دو برنامه باقیمانده چشم انداز بیست ساله بر اساس نقشه راه ۳۱
- ۲/۳/۱- "باهویت اسلامی و الهام بخش در جهان اسلام" و "ایران کشور توسعه یافته است" دو مفهوم در سند چشم انداز برای اساس قرار گرفتن برنامه ریزی های کشور اما توجه بعضی نهادها فقط به بخش دوم ۳۱
- ۲/۳/۱/۱- برگزاری همایشی در مجمع تشخیص تحت عنوان سیاست خارجی توسعه گرا کاملا مخالف مفهوم "با هویت اسلامی و الهام بخش در جهان اسلام" سند چشم انداز با وجود پیشنهاد همین سند از سوی مجمع تشخیص ۳۱
- ۲/۳/۱/۲- "ایران کشوری است با هویت اسلامی و الهام بخش در جهان اسلام" اصلاحیه حضرت آیت الله خامنه ای بر سند چشم انداز ۳۱
- ۲/۳/۱/۲/۱- عبارت "هویت اسلامی و الهام بخش در جهان اسلام" مؤثر در تغییر معنای توسعه ۳۲
- ۲/۳/۲- توانایی نقشه راه در پیشنهاد دادن برای دو برنامه باقیمانده در سند چشم انداز ۳۲
- ۲/۴/۲/۱- ضرورت تناسب برنامه های توسعه در کشور با توانمندسازی ساختارها در مرحله دولت اسلامی و اهمیت این مسأله مقدم بر حضور فضای برنامه ریزی کشور ۳۲
- ۲/۴/۱- صورت گرفتن حرکت هایی در کشور در جهت خروج از وضعیت برنامه ریزی مدرن مانند منحل شدن سازمان مدیریت و برنامه ریزی در دولت نهم و توقف این حرکت ها به علت نبود جایگزین و همچنین خطر بازگشت به ساختارهای قبلی ۳۲
- ۲/۴/۲- صورت گرفتن حرکت هایی در راستای تحول در آموزش و پرورش کشور و ضرورت ارزیابی این تحولات در تقویت شاخص های هویت اسلامی ۳۲
- ۲/۴/۳- ضرورت کارنامه خوانی کاندیداهای مسئولیت های انقلاب براساس سرفصل های برنامه هایشان در جهت توانمندسازی ساختارهای کشور برای تحقق مبنا ۳۲
- ۲/۴/۳/۱- عدم کفایت پذیرش حکم حکومتی ولی فقیه به عنوان معیار صلاحیت یک کاندیدا و درک از چگونگی توانمندسازی ساختارها، مهمترین معیار ۳۳
- ۲/۴/۳/۲- کارنامه خوانی براساس میزان توانایی کاندیداها در توانمندسازی ساختارها، یکی از مأموریت های نقشه راه ۳۳
- ۲/۵- شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی، یک شورای مردمی و مشغول به سه فعالیت در حال حاضر ۳۳
- ۲/۵/۱- تبیین مسأله الگوی پیشرفت اسلامی بر اساس تبیین جهت حرکت جمهوری اسلامی، اولین فعالیت شورای راهبردی .. ۳۳
- ۲/۵/۱/۱- برگزاری همایش هایی در کشور توسط افراد نامسلط به جهت انقلاب و صحبت ایشان از توسعه ۳۳
- ۲/۵/۱/۱/۱- سی سال حرکت انقلاب اسلامی در راستای پیشرفت اسلامی نه توسعه غربی ۳۳

- ۲/۵/۱/۱/۲- بحث از چگونگی ایجاد توسعه در ایران در همایش هایی با موضوع تولید الگوی پیشرفت اسلامی به علت عدم تسلط برگزار کنندگان به جهت جمهوری اسلامی ۳۴
- ۲/۵/۱/۱/۲/۱- تبیین مسأله الگوی پیشرفت اسلامی در نشست ها و گفتگوهای شورای راهبردی ۳۴
- ۲/۵/۲- ارتباط با نهادهای نظام به محوریت مأموریت های ۲۷ گانه نقشه راه، فعالیت دوم شورای راهبردی ۳۴
- ۲/۵/۲/۱- عملی شدن پیشنهاد نقشه راه به مجلس فعلی، عامل مناسب تر شدن روش تقنین با مبنای جمهوری اسلامی ۳۴
- ۲/۵/۲/۱/۱- ضرورت بررسی مصوبات مجلس بر اساس تناسب این مصوبات با تحقق شاخص های هویت اسلامی علیرغم عدم تصویب قانون خلاف مبنای جمهوری اسلامی در مجلس فعلی ۳۴
- ۲/۵/۲/۱/۲- پیشنهاد نقشه راه برای ارتقاء سطح تقنین در مجلس ۳۴
- ۲/۵/۲/۲- توانمندسازی بخشی به محوریت مأموریت های ۲۷ گانه جدول، فعالیت شورای راهبردی ۳۴
- ۲/۵/۳- پیشنهاد سیاست های کلان به برنامه ششم توسعه برای تقلیل اثر پذیری این برنامه از توسعه غربی، فعالیت سوم شورای راهبردی ۳۴
- ۲/۵/۴- نوشتن یک بسته سیاستی برای پیشنهاد به برنامه ششم توسعه، ارتباط بخشی با نهادها و معرفی نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی، سه فعالیت فعلی شورای راهبردی ۳۵
- ۲/۵/۱/۱/۳- ضرورت توجه نشریات به خروجی همایش های در حال برگزاری در کشور ۳۵
- ۲/۵/۱/۱/۳/۱- اشتغال بریده یا دائمی حدود پنج جریان به مسأله الگوی پیشرفت اسلامی ۳۵
- ۲/۵/۱/۱/۳/۲- ضرورت توجه به تبیین مسأله الگوی پیشرفت اسلامی در همایش های کشور ۳۵
- ۲/۵/۱/۱/۳/۲/۱- جلوگیری از یک دوباره کاری مایوس کننده در کشور نسبت به مسأله الگوی پیشرفت اسلامی، نتیجه توجه به همایش های با این موضوع ۳۵
- ۲/۵/۱/۱/۳/۲/۲- ارائه الگوهای توسعه غربی به جای الگوی پیشرفت اسلامی توسط برخی از مراکز علمی کشور ۳۵
- ۲/۵/۱/۱/۳/۲/۲/۱- عدم حساسیت برخی از نیروهای حزب الهی به مسأله توسعه نیازمند توجهی عمیق تر به بیانات امام خامنه ای برای درک بیشتر مسأله ۳۵

مراد ما از پیشرفت، پیشرفت با الگوی غربی نیست. دستور کار قطعی نظام جمهوری اسلامی، دنبال کردن الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی است. ما پیشرفت را به شکلی که غرب دنبال کرد و پیش رفت، نمیخواهیم؛ پیشرفت غربی هیچ جاذبه‌ای برای انسان آگاه امروز ندارد. پیشرفت کشورهای پیشرفته‌ی غربی نتوانست فقر را از بین ببرد، نتوانست تبعیض را از بین ببرد، نتوانست عدالت را در جامعه مستقر کند، نتوانست اخلاق انسانی را مستقر کند.

۱۳۹۲/۰۵/۱۵

